



ساختار مالکیت، عدم اطمینان سیاسی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها

سعید ابراهیمی^۱

امید فرجی^۲✉

میثم عرب زاده^۳

مصطفی ایزدپور^۴

فخرالدین محمدرضایی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه عدم اطمینان سیاسی (انتخابات ریاست جمهوری) و رفتار نامتقارن هزینه‌ها با توجه به اثر نوع مالکیت شرکت (دولتی در مقابل خصوصی) است. به منظور اجرای این پژوهش، نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۵ شرکت (۱۹۹۰ مشاهده) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران انتخاب شده‌اند. فرضیه‌ها با استفاده از داده‌های ترکیبی و مدل رگرسیون چندگانه با روش حداقل مربعات معمولی و رویکرد خطای استاندارد مقاوم آزمون شد. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در طی زمان وجود عدم اطمینان سیاسی (سال‌های انتخابات ریاست جمهوری) به صورت خطی و در سال‌های غیرانتخابات به صورت چسبنده می‌باشد. به عبارتی دیگر سرعت کاهش در هزینه‌ها نسبت به سرعت افزایش در هزینه‌ها در سال‌های غیرانتخابات کمتر است. یافته‌های مرتبط با فرضیه دوم نیز حاکی از آن است که در سال‌های انتخابات شرکت‌های با مالکیت دولتی دارای رفتار هزینه‌ها چسبنده و شرکت‌های با مالکیت خصوصی دارای رفتار خطی (غیر چسبنده) می‌باشد و برای شرکت‌های با مالکیت دولتی چسبندگی هزینه‌ها در سال انتخابات نسبت به سال‌های غیرانتخابات بیشتر است. همچنین، نتایج آزمون‌های تکمیلی نشان می‌دهد در هر دو دوره سال‌های انتخاباتی و سال‌های غیرانتخاباتی رفتار بهای

۱ گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. sebrahimi_65@yahoo.com

۲ گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. نویسنده مسئول. omid_faraji@ut.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. arabzadeh62@yahoo.com

۴ گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران. ezadpour@gmail.com

۵ گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. fakhroddin.mr@gmail.com



تمام شده کالای فروش رفته ضدچسبنده است و میزان ضدچسبندگی در سال انتخاباتی شدیدتر است. همچنین در شرکت‌های با مالکیت خصوصی و دولتی این رفتار در سال‌های انتخابات و غیرانتخابات به صورت ضدچسبنده می‌باشد و در شرکت‌های با مالکیت دولتی در سال انتخاب میزان ضدچسبندگی بیش از سایر سال‌ها و شرکت‌های خصوصی می‌باشد. علاوه بر این، رفتار هزینه‌های عملیاتی در طی هر دو دوره به صورت خطی است و این نتیجه برای شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌های با مالکیت خصوصی نیز تفاوتی نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: عدم اطمینان سیاسی، رفتار نامتقارن هزینه، چسبندگی هزینه، ساختار مالکیت.

۱- مقدمه

هزینه‌ها در نتیجه سرمایه‌گذاری، بکارگیری و مصرف منابع در سازمان رخ می‌دهند (لی و لیو^۱، ۲۰۲۱: ۱۸۰۸) و نقش اساسی در تعیین سود شرکت‌ها دارند (آگاروال^۲، ۲۰۲۲: ۱). درک رفتار آن چه برای افراد داخلی و چه برای ذینفعان خارجی دارای اهمیت بسیار زیادی است. از یک طرف با رقابت فزاینده این روزها در بازار محصولات، نیاز اطلاعاتی بیشتر در مورد هزینه‌ها برای مدیران بیش از پیش از ضروری به نظر می‌رسد و همین مساله مدیران را به برآورد الگوی رفتاری هزینه‌ها علاقه‌مند می‌کند؛ انجام این کار می‌تواند با پیش‌بینی دقیق‌تر از هزینه‌های آتی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، قیمت‌گذاری محصولات، تعیین نقطه سربه‌سر و سایر موارد مدیریتی آسان گردد و اتخاذ تصمیم تسهیل گردد. این مورد زمانی بیشتر اهمیت خواهد داشت که قیمت‌ها به دلیل رقابتی بودن بازار از پیش تعیین شده‌اند و مدیران تنها می‌توانند با تمرکز بر هزینه‌ها و استفاده از ساده‌ترین روش کاهش منابع، بر سودآوری بیفزایند. از طرف دیگر، تحلیلگران، اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران در تلاشند تا رفتار هزینه‌ها را تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی نمایند، چرا که این امر در راستای پیش‌بینی فروش برای برآورد دقیق‌تر سود آتی بسیار مهم است. همچنین آن‌ها می‌توانند توانایی مدیریت را برای کنترل کارایی هزینه‌ها ارزیابی نمایند (ریمر^۳، ۲۰۱۹: ۱). به همین دلیل، به عنوان بخش مهمی از حسابداری مدیریت، رفتار هزینه‌ها همیشه مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است (ژانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۱: ۴۱۱).

مطابق با رویکرد سنتی رفتار هزینه، محدوده و جهت تغییر هزینه‌های شرکت ناشی از افزایش یا کاهش فعالیت، به صورت متقارن می‌باشد. در این رویکرد، هزینه‌ها از نظر واکنش در برابر تغییرات سطح فعالیت (یا محرک هزینه) به دو طبقه ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند (نورین^۵، ۱۹۹۱) و فرض بر این است که با تغییر در

¹ Li & Luo

² Agarwal

³ Reimer

⁴ Zhang, Li & Wang

⁵ Noreen

سطح فعالیت قسمت ثابت هزینه‌ها در یک سطح باقی مانده^۱ و هزینه‌های متغیر متناسب با تغییر سطح فعالیت تغییر می‌نمایند^۲. به عبارتی بهتر، در این رویکرد انتظار بر این اساس است، به عنوان مثال، در صورتی که هزینه‌ها در واکنش به افزایش ۱ درصدی سطح فعالیت به میزان ۵ درصد افزایش یابد، هزینه‌ها در واکنش به کاهش ۱ درصد سطح فعالیت نیز به همان میزان ۵ درصد کاهش یابد. این انتظار ضمنی را می‌توان فرض تناسب^۳ نامید که نشان‌دهنده رفتار متقارن هزینه‌ها در واکنش به سطح فعالیت است. با این وجود، شواهد تجربی فرض تناسب را در مورد رفتار متقارن هزینه‌ها خدشه‌دار نموده‌اند. براس^۴ (۱۹۲۷) به عنوان اولین پژوهشگر نشان داد که بین منحنی هزینه در هنگام افزایش سطح فعالیت و منحنی هزینه در زمان کاهش سطح فعالیت تفاوت وجود دارد، تفاوتی که به یک تابع هزینه نامتقارن منجر می‌گردد. بعدها، مالکوم^۵ (۱۹۹۱) بیان نمود که بسیاری از هزینه‌های سربر به طور دقیق متناسب با تغییرات سطح فعالیت تغییر نمی‌کنند. در ادامه، نورین و سودرستروم^۶ (۱۹۹۷) دریافتند وقتی حجم فعالیت در جهات مختلف تغییر می‌کند، حرکت هزینه مربوطه یکسان نیست. اندرسون و همکاران^۷ (۲۰۰۳) برای اولین بار به صورت مستند نشان دادند که هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به طور متوسط ۰/۵۵٪ در ازای ۱٪ افزایش درآمد، افزایش می‌یابند، در حالی که آن‌ها فقط ۰/۳۵٪ به ازای هر ۱٪ کاهش درآمد، کاهش می‌یابند. آن‌ها افزایش بیشتر هزینه‌ها برای افزایش سطح فعالیت در مقایسه با کاهش کمتر هزینه‌ها برای کاهش همان سطح فعالیت مشابه را "هزینه‌های چسبیده" نامگذاری نمودند. با این حال، افزایش کمتر هزینه‌ها برای افزایش سطح فعالیت در مقایسه با کاهش بیشتر هزینه‌ها برای کاهش همان سطح فعالیت مشابه، هزینه‌های "ضدچسبیده" نامیده می‌شوند. به طور کلی، رفتار نامتقارن هزینه‌ها می‌تواند ناشی از واکنش‌های متفاوت آگاهانه منطقی و غیرمنطقی مدیران و تصمیمات غیرآگاهانه آن‌ها به تغییرات فروش باشد. از جمله این موارد می‌توان به وجود هزینه‌های تعدیل منابع پس از کاهش (افزایش) فروش مدیران برای حفظ (حذف) منابع بلااستفاده و/یا مازاد، انتظارات خوش‌بینی و بدبینی مدیران نسبت به فروش آتی، سیاست‌های شرکت، انگیزه‌های مدیریت سود و ساختن امپراطوری، مسائل قانونی و ساختار مکانیکی شیوه‌های تولید اشاره نمود (ریمر^۸، ۲۰۱۹). بخش عمده‌ای از پژوهش‌های حوزه رفتار نامتقارن هزینه‌ها چه در داخل و چه در خارج از کشور به بررسی وجود آن (مانند: بالاگریشنان و همکاران^۹، ۲۰۰۴؛ اندرسون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۷؛ ابراهیم^{۱۱}، ۲۰۱۵؛ زانلا و همکاران^{۱۲}،

^۱ از پیش تعیین شده

^۲ مکانیکی

^۳ Proportionality Assumption

^۴ Brasch

^۵ Malcom

^۶ Noreen & Soderstrom

^۷ Anderson, Banker & Janakiraman

^۸ Reimer

^۹ Balakrishnan, Peterson, & Soderstrom

^{۱۰} Anderson, Banker, Huang & Janakiraman

^{۱۱} Ibrahim

^{۱۲} Zanella, Oyelere & Hossain

۲۰۱۷؛ والد^۱، ۲۰۲۱؛ در ایران قائمی و نعمت الهی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶؛ ایران زاده و مقدم، ۱۳۸۹؛ نمازی و دوانی پور، ۱۳۸۹؛ نمازی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سیاسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ وقفی و همکاران، ۱۳۹۸) و به تبیین عوامل مؤثر بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها (بنکر و همکاران^۲، ۲۰۱۳؛ بنکر و بیزالو^۳، ۲۰۱۴؛ بیوگیجا و همکاران^۴، ۲۰۱۵) در ایران کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱؛ زنجیردار و همکاران، ۱۳۹۳ نیک کار و حیدری نژاد، ۱۳۹۴؛ حسینی پور و همکاران، ۱۳۹۸) پرداخته‌اند. از عواملی که می‌تواند رفتار نامتقارن هزینه‌ها تحت تأثیر قرار دهد، وجود عدم اطمینان است. عدم اطمینان از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی اصلی (هزینه‌های تعدیل، انتظارات مدیریتی و انگیزه‌های مدیریتی) با رفتار نامتقارن هزینه در ارتباط است. اجتناب از عدم اطمینان از عوامل مؤثر بر چسبندگی هزینه است (مانند: همه‌خانی و رویایی، ۱۴۰۱)؛ بر همین اساس، رفتار نامتقارن هزینه با افزایش عدم اطمینان، افزایش می‌یابد و با برطرف شدن عدم اطمینان، از شدت آن کاسته می‌شود (پن و همکاران^۵، ۲۰۲۲؛ ۱۴۳).

عدم اطمینان سیاسی یکی از انواع عدم اطمینان است که در زمان انتخابات ملی ایجاد می‌شود. انتخابات ملی به عنوان یک رویداد سیاسی بزرگ برای توزیع مجدد قدرت سیاسی (می و گیو^۶، ۲۰۰۴؛ ۶۴۲)، برون‌زا بوده و زمان آن به طور طبیعی خارج از کنترل شرکت‌ها می‌باشد که در فواصل زمانی تعیین شده بر اساس قانون اساسی انجام می‌پذیرد (لی و همکاران^۷، ۲۰۲۰؛ ۱۱۰۸). عدم اطمینان سیاسی با تغییر احتمالی رهبری سیاسی و با تغییر در سیاست‌های دولتی پس از انتخابات مربوط است؛ دلیل وجود عدم اطمینان در زمان انتخابات از احتمال تغییر در سیاست‌های اقتصادی همچون مالیات، صادرات و واردات، قوانین کاری و یا تخصص منابع مانند قراردادهای سیاست حمایت از صنایع و کسب و کارها مانند یارانه‌های دولتی ناشی می‌شود. با توجه به اینکه عدم اطمینان سیاسی مستقیماً با عوامل اقتصادی و غیر مستقیم با رفتار نامتقارن در ارتباط است می‌تواند بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها نیز اثرگذار باشد. با توجه به مطالب بیان شده، در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش خواهیم بود که آیا عدم اطمینان سیاسی با رفتار نامتقارن هزینه در ارتباط است یا خیر؟

علیرغم خصوصی‌سازی گسترده در دهه اخیر، دولت‌ها هنوز علاوه بر تسلط بر صنایع راهبردی (مانند آب و برق، معدن و دفاع)، سهام بسیاری از شرکت‌ها را در اختیار دارند و شرکت‌های با مالکیت دولتی جزء مهمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد. بیش از ۶۰٪ از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران دارای مالکیت دولتی هستند. این شرکت‌ها و به ترتیب حدود ۸۰٪ و ۹۰٪ از کل کارکنان و کل فروش تمامی شرکت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش‌های در حوزه ساختار مالکیت بیان می‌دارند که شرکت با مالکیت دولتی احتمالاً اهداف متعددتر و متفاوت‌تری - اجتماعی

¹ Walid

² Banker, Byzalov & Threinen

³ Banker & Byzalov

⁴ Bugeja, Lu & Shan

⁵ Pan, Zhang & Zhang

⁶ Mei & Guo

⁷ Lee, Pittman & Saffar

(یعنی افزایش اشتغال) یا سیاسی (یعنی جلوگیری از نفوذ سرمایه‌گذاران خارجی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی) - از حداکثرسازی سود را نسبت به سایر شرکت‌ها دنبال می‌کنند (شلیفر و ویشنی^۱، ۱۹۹۴؛ شلیفر^۲، ۱۹۹۸؛ مگینسون^۳، ۲۰۰۵)؛ که اندازه‌گیری عملکرد این شرکت‌ها را دشوارتر می‌نمایند. افزون بر این مورد، دخالت دولت در فرآیندها و عملیات تصمیم‌گیری این دسته از شرکت‌ها، نظارت بر رفتار مدیران را پیچیده‌تر می‌کند. بنابراین، به هنگام کاهش فروش مدیران شرکت‌های با مالکیت دولتی تمایل کمتری به اخراج کارکنان مازاد یا کاهش دستمزد آنان و حذف منابع فیزیکی بلااستفاده دارند، که با وجود احتمال خوش‌بینی بیشتر آنان نسبت به افزایش تقاضا و فروش در آینده در مقایسه با سایر شرکت‌ها، در کنار وجود مشکلات نمایندگی بیشتر - احتمال افزایش ساخت امپراطوری - و محتمل نبودن مجازات آن‌ها به علت ناتوانی در کاهش منابع غیرضروری (مانند: فن و همکاران^۴، ۲۰۰۷؛ هونگ و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ مگینسون و همکاران^۶، ۲۰۱۴)، چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های دولتی بیشتر خواهد بود (مانند: بیو و همکاران^۷، ۲۰۱۵؛ پرابوو و همکاران^۸، ۲۰۱۸؛ ژونگ و همکاران^۹، ۲۰۲۰)؛ در ایران ابراهیمی و همکاران، (۱۴۰۱). با توجه به ارتباط بین ساختار مالکیت و رفتار نامتقارن هزینه‌ها، و اثرپذیری بالای شرکت با مالکیت دولتی از عدم اطمینان سیاسی (مانند: ژنو، ۲۰۱۷)، این پژوهش در ادامه بررسی می‌کند که آیا ساختار مالکیت می‌تواند بر رابطه بین عدم اطمینان سیاسی و رفتار نامتقارن هزینه اثرگذار باشد یا خیر؟

یافته‌های این پژوهش در کنار غنای ادبیات مرتبط با رفتار نامتقارن هزینه‌ها می‌تواند به مدیران برای مدیریت هزینه‌ها - به عنوان تمام تصمیمات عملیاتی آگاهانه مدیران که رفتار مشاهده شده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تفسیر می‌شود (بنکر و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸: ۱۸۷) و تحلیلگران و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در واکاوی رفتار هزینه‌ها - به عنوان نحوه پاسخگویی هزینه‌ها به تغییر فعالیت و تصمیمات اتخاذ شده (ابراهیم و عزت^{۱۱}، ۲۰۱۷: ۱۶) - یاری کند. همچنین، این پژوهش منجر به گسترده شدن ادبیات عوامل مؤثر بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها در کشوری همانند ایران با ساختار اقتصاد دولتی و با تورم بالا می‌شود.

¹ Shleifer & Vishny

² Shleifer

³ Megginson

⁴ Megginson, Ullah & Wei

⁵ Fan, Wong & Zhang

⁶ Hung, Wong & Zhang

⁷ Bu, Wen & Banker

⁸ Prabowo, Hooghiemstra & Veen-Dirks

⁹ Zhong, Sun, Zhou & Lee

¹⁰ Banker, Byzalov, Fang & Liang

¹¹ Ibrahim & Ezat

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- رفتار نامتقارن هزینه

مدل هزینه سنتی فرض می‌کند که هزینه‌ها به طور متناسب به تغییرات سطح فعالیت پاسخ می‌دهند. فرض بر این است که هزینه‌ها به طور متقارن (به طور مساوی) به یک میزان تغییر سطح فعالیت در جهت‌های مختلف پاسخ می‌دهند. اگر سطح فعالیت (x) به اندازه ۱٪ تغییر کند، هزینه‌های کل (y) با یک نسبت متقارن (برابر) افزایش یا کاهش می‌یابد، چرا که در محدوده مربوطه شیب مدل (b) ثابت است و کل هزینه‌های ثابت (a) نیز ثابت هستند (ابراهیم^۱، ۲۰۱۸: ۳۰۱). بر اساس فرض تناسب هزینه‌های متغیر با همان اندازه سطح فعالیت افزایش و کاهش می‌یابند (اوزکایا^۲، ۲۰۲۱: ۳۴۹). اما نتایج بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از آن است که رفتار هزینه به علت وجود چسبندگی هزینه نامتقارن است (کو و همکاران^۳، ۲۰۲۱: ۱۰۲۴). رفتار نامتقارن می‌توان آن را به دو دسته از چسبندگی یا ضدچسبندگی تقسیم نمود چسبندگی هزینه‌ها نشان‌دهنده این است که کاهش هزینه در زمان کاهش سطح فعالیت کمتر از افزایش هزینه در زمان افزایش سطح فعالیت است و ضدچسبندگی هزینه‌ها بیانگر آن است که کاهش هزینه در زمان کاهش سطح فعالیت بیشتر از افزایش هزینه در زمان افزایش سطح فعالیت است. چسبندگی (یا ضدچسبندگی) هزینه‌ها تصمیمات عملیاتی مهم شرکت برای حفظ و تعدیل سطح منابع را تعیین می‌کند (جین و وو^۴، ۲۰۲۱: ۲) و بر کارایی تخصیص منابع اثر می‌گذارد. دیدگاه نظری در مورد چسبندگی هزینه به این مفهوم اتکا دارد که بسیاری از هزینه‌ها از تصمیمات آگاهانه مدیران برای منابع تعهد شده نشأت می‌گیرد. در مطالعات عمدتاً رفتار نامتقارن هزینه‌ها با هزینه‌های تعدیل، انگیزه‌های مدیریتی و انتظارات مدیریتی توضیح داده می‌شود^۵.

▪ **هزینه‌های تعدیل:** هزینه تعدیل مبتنی بر ماهیت اقتصادی هزینه‌ها است و در مورد منابع زمانی ایجاد می‌شود که مدیران، آن منابع را متعهد می‌شوند (آگروال، ۲۰۲۲: ۳). در این دیدگاه هنگام کاهش فروش، مدیران بین منافع و هزینه‌های مربوط به تعدیل یا نگهداری منابع بلااستفاده / مازاد توازن ایجاد می‌کنند (هارتلیب و همکاران^۶، ۲۰۲۰: ۲). در واقع مدیران منطقی سعی می‌نمایند بر اساس قضاوت منطقی با کاهش هزینه تعدیل، موجبات ایجاد منافع برای شرکت و ذینفعان را فراهم کنند (کو و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۰۲۱).

¹ Ibrahim

² Özkaya

³ Ko, Chung & Woo

⁴ Jin & Wu

⁵ توضیح دیگر علل رفتار نامتقارن هزینه‌ها فرضیه ساختار هزینه است. این فرضیه استدلال می‌کند که وجود هزینه‌های ثابت منجر به تغییر نامتناسب هزینه‌ها در هنگام تغییر فروش می‌شود و در نتیجه باعث رفتار هزینه‌های نامتقارن می‌شود. به عبارتی دیگر، چسبندگی هزینه مشاهده شده در یک دوره محصولی از نسبت هزینه ثابت به متغیر ناشی از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت است که دارای نسبتی از هزینه‌های برگشت ناپذیر شده است (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، زمانی که نسبت هزینه ثابت زیاد است، با کاهش (افزایش) تقاضا، نرخ کاهش (افزایش) هزینه‌ها نسبت به نرخ کاهش (افزایش) فروش کوچکتر (بزرگتر) می‌شود (ویو و ویلسون، ۲۰۲۲).

⁶ Hartlieb, Loy & Eierlea

۱۰۲۴). تعدیل هزینه‌ها یک عنصر کلیدی در درک رفتار نامتقارن هزینه است و تأکید می‌کند که محدودیت منابع داخلی و قراردادهای خارجی اصطکاکی را در تعدیلات تجاری ایجاد می‌کند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۱) از یک سو صرفنظر کردن مدیران از تعدیل منابع در هنگام کاهش فروش به آزادسازی ظرفیت و هزینه‌های نگهداری ظرفیت استفاده نشده مانند دستمزد یا استهلاک می‌انجامد و از سوی دیگر با کاهش منابع بلااستفاده / مازاد هزینه‌های تعدیل بوجود می‌آیند که می‌تواند شامل هزینه‌های در زمان انجام همچون وجه پرداختی انفصال از خدمت، هزینه‌های ناشی از فسخ قراردادها پیش از موعد مقرر و هزینه‌های اسقاط، هزینه‌های آتی مانند هزینه‌های جستجو و استخدام و آموزش کارکنان جدید، هزینه‌های معاملاتی مذاکرات قرارداد جدید با تأمین‌کنندگان و هزینه‌های نصب و سفارشی‌سازی تجهیزات و هزینه‌های دیگری مثل هزینه‌های سازمانی (فرسایش سرمایه انسانی و در نتیجه بهره‌وری پایین‌تر ناشی از کاهش انگیزه یا اخلال در تیم‌ها) گردد (ریمر، ۲۰۱۹: ۱۰). هرچه هزینه‌های مورد انتظار تعدیل در مقایسه با هزینه‌های نگهداری منابع بلااستفاده / مازاد کمتر باشد، احتمال اینکه مدیران منابع تعهد شده را کاهش دهند بیشتر می‌شود، که منجر به عدم تقارن هزینه کمتر می‌شود (بیوگیجا و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۴۹)؛ اما اگر این هزینه‌های تعدیل از هزینه‌های نگهداری منابع بلااستفاده / مازاد در حال حاضر بیشتر باشد، مدیران به احتمال زیاد منابع بلااستفاده / مازاد را در دوره‌های کاهش فروش، حفظ خواهند کرد (ژو و ژنگ^۱، ۲۰۲۰؛ ۷۲۶) که منجر به عدم تقارن هزینه بیشتر می‌شود. تأثیر هزینه‌های تعدیل با پروکسی‌های متفاوت در پژوهش‌های اندرسون و همکاران (۲۰۰۳)، بالاکریشنان و گروکا^۲ (۲۰۰۸)، بنکر و همکاران (۲۰۱۳)، بنکر و بیزالو، (۲۰۱۴)، بنکر و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، کیم و وانگ (۲۰۱۴)، بیوگیجا و همکاران (۲۰۱۵) ونیریز و همکاران^۴ (۲۰۱۵) در ایران نمازی و دوانی پور (۱۳۸۹)، زنجیردار و همکاران (۱۳۹۳) احمدی و همکاران (۱۳۹۴) و حسینی پور و همکاران (۱۳۹۸) مستند گردیده است.

▪ **انتظارات مدیریتی:** مدیران در هنگام وزندهی به هزینه‌های تعدیل در برابر هزینه‌های نگهداری برآورد ذهنی خود از شرایط تقاضای آتی را در نظر می‌گیرند (حبیب و کاستا، ۲۰۲۱: ۷۹). از عوامل مؤثر بر برآوردهای ذهنی مدیران، که نشأت گرفته از شرایط اقتصادی شرکت و پیرمون آن است انتظارات و پیش‌بینی‌های مدیریت از آینده فروش و روند تغییرات سنوات گذشته فروش می‌باشد، که می‌تواند رفتار نامتقارن هزینه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این عوامل می‌توانند مدیر را نسبت به وضعیت فروش آتی خوش‌بین یا بدبین نمایند. وقتی مدیران نسبت به تقاضای آینده خوش‌بین باشند، تمایل بیشتری به حفظ منابع مازاد / بلااستفاده در هنگام کاهش فروش دارند چرا که انتظار دارند از این منابع پس از بازگشت

¹ Xu & Zheng

² Balakrishnan & Gruca

³ Banker, Flasher & Zhang

⁴ Venieris, Naoum & Vlismas

⁵ Habib & Costa

تقاضا استفاده کنند. این تمایل به حفظ منابع باید چسبندگی هزینه‌ها را افزایش دهد (وقتی هزینه‌ها چسبنده است) یا ضدچسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهد (وقتی هزینه‌ها ضد چسبنده هستند). هنگامی مدیران نسبت به تقاضای آینده بدبین باشند، به احتمال زیاد منابع مازاد / بلااستفاده را در هنگام کاهش فروش به شدت کاهش می‌دهند چرا که انتظار دارند این منابع بلااستفاده بمانند. این تمایل به کاهش منابع باید چسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهد یا ضدچسبندگی هزینه‌ها را افزایش دهد (بنکر و همکاران^۱، ۲۰۱۸؛ ۱۹۲). بر این اساس، تصمیم‌گیری در مورد حفظ یا حذف حجم منابع به پیش‌بینی مدیر در مورد مدت زمان تغییرات صورت پذیرفته در حجم اقتصادی بستگی دارد. ادبیات از رشد اقتصادی، کاهش پی در پی فروش، رشد صنعت، تغییر فروش در دوره‌های پیشین و همچنین خوش‌بینی و بیش‌اطمینانی مدیران به عنوان پروکسی برای انتظار مدیریت استفاده نموده‌اند و نشان دادند که انتظار خوش‌بینانه (بدبینانه) مدیران به طور مثبت (منفی) با چسبندگی هزینه در ارتباط است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ بنکر و همکاران، ۲۰۱۴؛ ابراهیم، ۲۰۱۵؛ کین و همکاران، ۲۰۱۵؛ در ایران نمازی و دوانی پور، ۱۳۸۹؛ بولو و همکاران، ۱۳۹۱؛ کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱ الف و ب؛ ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۳؛ حیدری، ۱۳۹۳؛ نیک کار و جلیلی، ۱۳۹۴؛ عبدلی و غلامی ۱۳۹۵؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ چهار محالی و زاهدی، ۱۳۹۶؛ ژولانژاد و همکاران، ۱۳۹۶؛ فرهادی و همکاران، ۱۳۹۸).

▪ **انگیزه مدیریتی:** با توجه به نقش اصلی تصمیم‌گیری مدیران در تعیین رفتار هزینه‌ها، انگیزه‌های شخصی مدیران نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را بر آن می‌دارد تا تخصیص منابع و ساختار هزینه‌ها را به نفع خود تغییر دهند و در نتیجه ساختار هزینه‌ای چسبنده یا ضد چسبنده ایجاد می‌شود (کو و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۰۲۴). در واقع زمانی که مدیران بر مبنای انگیزه همچون منفعت‌طلبی شخصی تصمیم‌گیری نموده و به جای منافع سهامداران شرکت، منافع شخصی خود را بیشینه می‌نمایند؛ این عدم همگرایی منافع بین مدیران و سهامداران مشکلات نمایندگی نامیده می‌شود. انگیزه ساخت امپراطوری یکی از مظاهر مشکلات نمایندگی است که در آن مدیران با هدف افزایش منافع شخصی از موقعیت، قدرت، جبران خدمات و اعتبار و شهرت به حداکثرسازی منابع تحت کنترل و در نتیجه رشد اندازه شرکت بیش از حد بهینه (مانند سرمایه‌گذاری بیش از حد در منابع مشهود نامشهود و منابع انسانی) و حفظ منابع بلااستفاده / مازاد تمایل دارند (جنسن^۲، ۱۹۸۶؛ استولز^۳، ۱۹۹۰؛ هوپ و توماس^۴، ۲۰۰۸؛ ماسیولیس و همکاران^۵، ۲۰۰۷)، چون از مدیریت سازمان‌های پیچیده و بزرگ منافع مالی و غیرمالی به

¹ Banker, Byzalov, Fang & Liang

² Qin, Mohan & Kuang

³ Jensen

⁴ Stulz

⁵ Hope & Thomas

⁶ Masulis, Wang & Xie

دست می‌آورند و در نتیجه سعی می‌کنند از تصمیم‌گیری‌های سخت و وقت‌گیر در مورد حذف منابع بلااستفاده / مازاد جلوگیری کنند (مانند: برتراند و ملاتیناتان^۱، ۲۰۰۳؛ داتا و همکاران^۲، ۲۰۱۰). بر این اساس، با افزایش فروش، منابع را بیش از حد بسط می‌دهند (اتخاذ راهبرد توسعه سریع با استخدام کارکنان بیشتر و افزودن سریع دستمزد پرداختی اداری) و هنگام کاهش فروش، منابع را بسیار کم کاهش می‌دهند که منجر به نامتقارن شدن بیشتر در هزینه‌ها (چسبندگی هزینه بیشتر) می‌شود (مانند: چن و همکاران^۳، ۲۰۱۲؛ بیوگیجا و همکاران، ۲۰۱۵؛ در ایران آقای و حسنی، ۱۳۹۳؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ آقای و همکاران، ۱۳۹۵)؛ چسبندگی هزینه‌ای که به دلیل انگیزه‌های مدیریتی ایجاد می‌شود، احتمالاً از ارزش اقتصادی برآورد شده برای آن فراتر می‌رود و منجر به تخریب ارزش شرکت می‌شود (آگروال، ۲۰۲۲: ۴). نظام راهبری شرکتی بهتر با محدود کردن رفتارهای ناشی از فرصت‌طلبی مدیریتی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد (مانند: چن و همکاران، ۲۰۱۲؛ ژبو و هونگ^۴، ۲۰۱۶؛ ابراهیم، ۲۰۱۸؛ لی و همکاران^۵، ۲۰۲۲؛ در ایران آقای و حسنی ۱۳۹۳؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ علیمردادی و احمدی، ۱۳۹۲؛ صفرزاده ۱۳۹۳؛ علی خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسینی پور و همکاران، ۱۳۹۸؛ پازوکی و دارابی، ۱۳۹۸). همچنین، از دیدگاه انگیزه‌های مدیریتی، مدیران به منظور دستیابی به منافع شخصی، سعی خواهند نمود که تا سود هدف را تحقق بخشند یا زیان را گزارش نکنند؛ چرا که در غیر اینصورت دچار زیان مالی می‌شوند، و موقعیت، شهرت و اعتبار خود را از دست می‌دهند. بنابراین، هنگامی که کاهش در فروش اتفاق می‌افتد، مدیران برای دستیابی به اهداف سود یا اجتناب از گزارش زیان - حتی اگر کاهش فروش موقتی ارزیابی شود و منابع رو به پایین از منظر بیشینه‌سازی ارزش شرکت بهینه نباشد- اقدام به حذف سریع منابع بلااستفاده / مازاد نموده تا از این طریق بتوانند هزینه‌ها را کاهش دهند. در همین راستا، پژوهش‌های پیشین مستندات را برای تضعیف رفتار نامتقارن هزینه برای انگیزه‌های اقتصادی مدیران فراهم نموده‌اند (مانند: دیرینک و همکاران^۶، ۲۰۱۲، کاما و ویس^۷، ۲۰۱۳؛ بیوگیجا و همکاران، ۲۰۱۵؛ ژبو و هونگ، ۲۰۱۶؛ یانگ^۸، ۲۰۱۹؛ بریسکر و همکاران^۹، ۲۰۲۲؛ و در ایران هاشمی و نجاتی، ۱۳۹۴؛ حقیقت و رحیم پور، ۱۳۹۶؛ علی خانی و همکاران ۱۳۹۶؛ منصورفر و همکاران، ۱۳۹۶؛ حاجیها و همکاران، ۱۳۹۸).

¹ Bertrand & Mullainathan

² Datta, Guthrie, Basuil & Pandey

³ Chen, Lu & Sougiannis

⁴ Xue & Hong

⁵ Le, Tran & Cheng

⁶ Dierynck, Landsman & Renders

⁷ Kama & Weiss

⁸ Yang

⁹ Brisker, Park & Song

۲-۲- عدم اطمینان سیاسی

عدم اطمینان به ناتوانی در پیش‌بینی کامل احتمال پیشامد رویدادها و/یا ابهام و احتمالات نامشخص در این رویدادها اشاره دارد (گودل و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۲) و هنگامی که هر کدام یا هر دوی این موارد پیش می‌آید، تصمیم‌گیری نسبت به آینده مشکل و پیچیده خواهد بود و از این رو فضای عدم اطمینان بر تصمیم‌ها حاکم می‌گردد. در واقع، عدم اطمینان فقدان دانش پیش‌بینی به دلیل نبود اطلاعات کمی و کیفی است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱) که به طرق مختلف تصمیمات و رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (معتمدی و تاری وردی، ۱۴۰۱: ۳۳). "نظریه اقتصادی نشان می‌دهد که عدم اطمینان با ایجاد انگیزه برای به تعویق انداختن تصمیمات سرمایه‌گذاری، مصرف و اشتغال تا رفع عدم اطمینان، و افزایش فشار هزینه‌های سرمایه از طریق افزایش صرف ریسک، تأثیر مخربی بر فعالیت اقتصادی دارد" (کمیسون اروپا ۲۰۱۳: ۷). عدم اطمینان یکی از ویژگی‌های اصلی محیطی است که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند و این می‌تواند تصمیم‌گیری مدیران را به طور عمیقی شکل دهد.

عدم اطمینان سیاسی به ابهامات مرتبط با تغییرات احتمالی در سیاست‌های دولتی اشاره دارد (فاروق و همکاران^۲، ۲۰۲۰: ۵۷۰) که دوران انتخابات به اوج خود می‌رسد. در واقع، انتخابات به معنای احتمال تغییر مقامات است و تغییر در مقامات سیاسی به معنای انتقال قدرت سیاسی و افزایش احتمال تغییر سیاست است (ژائو و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۲۵۷). انگیزه دولت‌ها در پس تغییر سیاست‌ها معمولاً ناشی از اهداف اقتصادی (به حداکثر رساندن رفاه) و/یا غیراقتصادی (هزینه‌ها و منافع سیاسی) آن‌ها است. با این حال، تشخیص اینکه کدام یک از این دو انگیزه بر تصمیمات سیاستی دولت جدید پس از انتخابات حاکم می‌گردد، همیشه آسان نیست. انتخابات فرصت‌هایی را برای تغییرات بزرگ و گسسته در دولت‌ها و بنابراین در فلسفه حاکم و سیاست‌های ناشی از آن ایجاد می‌کند (ایمای و شلتون^۴، ۲۰۱۱: ۸۳۷) و میزان عدم اطمینان سیاسی نسبت به فعالیت‌های دولت، که بی‌وقفه تابعی از عوامل سطح کلان و خرد است، تغییر می‌کند، در زمان انتخابات به دلیل دشواری در پیش‌بینی نتایج رای‌گیری، ترکیب دولت جدید و سیاست‌هایی که اجرا می‌شود، اوج می‌گیرد (ویچیلین^۵، ۲۰۰۳: ۸۵).

از آنجایی که شرایط سیاسی نامشخص، قابلیت پیش‌بینی اقدامات اقتصادی و تصمیمات تجاری را کاهش می‌دهد، فعالان اقتصادی قادر به پیش‌بینی دقیق تأثیر تغییر در سیاست‌های دولتی بر نتیجه واقعی اقتصادی نیستند. با نظریه گزینه‌های واقعی^۶، عدم اطمینان سیاسی ریسک تصمیم‌گیری تجاری را افزایش می‌دهد و

¹ Goodell, Goyal & Urquhart

Farooq, Satt & El Fadel¹

³ Zhou, Jiang & Ma

⁴ Imai & Shelton

⁵ Vuchelen

⁶ Real Option

ارزش انتظار برای انجام اقدامات اقتصادی را تا رفع عدم اطمینان افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، تصمیمات سیاسی غیرقابل پیش‌بینی ناشی از تغییرات در دولت جدید ممکن است مالیات‌ها، ارزش‌گذاری ارز، تعرفه‌ها یا موانع تجاری، سرمایه‌گذاری، سطح دستمزد، قوانین کار، مقررات زیست محیطی و اولویت‌های توسعه را تحت تأثیر قرار دهد. این تغییرات می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت‌های واقعی شرکت‌ها تأثیر بگذارد. در واقع، فرآیندهای سیاسی که هزینه‌های ایجاد سیاست‌های جدید یا معکوس کردن سیاست‌های موجود را تغییر می‌دهند (بلاکی و جادیل^۱، ۲۰۱۹) تأثیر قابل توجهی بر اقدامات راهبردی دارند (هینیز و دلیوس^۲، ۲۰۰۱). با توجه به این ملاحظات، شرکت‌ها توجه زیادی به تصمیمات سیاسی دارند که می‌تواند بر فعالیت آن‌ها تأثیر بگذارد، به ویژه آنهایی که تعدیل آن‌ها در کوتاه‌مدت هزینه‌بر است (آمور و کورینا^۳، ۲۰۲۱: ۴). مدیران شرکت‌ها نگرانی‌های فزاینده‌ای را در مورد نقش ریسک سیاسی برای شرکت‌های تحت مدیریت خود ابراز کرده‌اند (مانند: گیامبونا و همکاران^۴، ۲۰۱۷) و تحت عدم اطمینان سیاسی، همیشه اقدامات مختلفی را برای کاهش اثر سو تغییر سیاسی انجام می‌دهند. به عنوان مثال پژوهش‌های پیشین مستند کرده‌اند که مدیران شرکت‌ها در پاسخ به عدم اطمینان سیاسی ناشی از انتخابات سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند یا آن را به تعویق می‌اندازند (مانند: خولیو و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ آن و همکاران^۶، ۲۰۱۶؛ جینز^۷، ۲۰۱۷؛ آمور و کورینا، ۲۰۲۱)، مالیات کمتر پرداخت می‌کند (مانند: لی و همکاران^۸، ۲۰۲۰) سود تقسیمی را کاهش می‌دهند (مانند: هیوانگ و همکاران^۹، ۲۰۱۵) و وجه نقد بیشتری را با انگیزه‌های احتیاطی نگه می‌دارند (مانند: خولیو و همکاران، ۲۰۱۲). هر چند با توجه با واکنش‌های متفاوت ممکن است سود نقدی بیشتری پرداخت نمایند (مانند: فاروق و احمد، ۲۰۱۹) و وجه نقد کمتری نگهداری کنند (مانند: ژو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶؛ در ایران متین فرد و همکاران، ۱۳۹۹). این رشته از ادبیات یادآور می‌شود که شرکت‌ها رفتار خود را در سال انتخابات تغییر می‌دهند زیرا آن‌ها مجبور هستند تعاملات خود را با تأمین‌کنندگان سرمایه، رقبا، مشتریان، تأمین‌کنندگان و رگلاتورها در عدم اطمینان پاسخ به انتخابات مرتبط تغییر دهند. با توجه به اینکه رفتار شرکت‌ها در سال‌های انتخابات برخلاف رفتار آن‌ها در سال‌های دیگر است، این باور کاملاً قابل لمس است که سرمایه‌گذاران به سختی می‌توانند نتایج احتمالی تصمیمات مدیریتی اتخاذ شده در سال‌های انتخابات را کشف نمایند (فاروق و احمد^{۱۱}، ۲۰۱۹: ۲۰۴).

¹ Blake & Jandhyala

² Henisz & Delios

³ Amore & Corina

⁴ Giambona, Graham & Harvey

⁵ Julio & Yook

⁶ An, Chen, Luo & Zhang

⁷ Jens

⁸ Li, Maydew, Willis & Xu

⁹ Huang, Wu, Yu & Zhang

¹⁰ Xu, Chen, Xu & Chan

¹¹ Farooq & Ahmed

۳-۲- عدم اطمینان سیاسی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها

بر اساس پژوهش‌های پیشین، عدم اطمینان سیاسی با ایجاد عدم اطمینان در میزان تقاضا، یک عامل تعیین‌کننده اصلی رفتار هزینه است، (مانند: کالاپور و ایلدنبورگ^۱، ۲۰۰۵؛ بانکر و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ نیک کار و ملک خدایی، ۱۳۹۹) و می‌تواند در چسبندگی هزینه ایفا نقش نماید. عدم اطمینان سیاسی می‌تواند بر فعالیت‌های مختلف شرکت‌ها تأثیر منفی بگذارد (مانند: بیکر و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ جینز، ۲۰۱۷)، از جمله با سرکوب تقاضا در سرمایه (مانند: کولاک و همکاران^۴، ۲۰۱۷) و بازارهای محصول (مانند: آبرژ و همکاران^۵، ۲۰۱۷)؛ اما نباید فراموش کرد در سال‌های انتخابات، عدم اطمینان با زمان‌بندی مشخص رفع می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۰۸). عدم اطمینان سیاسی از سه طریق می‌تواند با رفتار نامتقارن هزینه در ارتباط باشد:

- اولاً، بر مبنای دیدگاه تعدیل هزینه‌ها، عدم اطمینان سیاسی به این منجر می‌شود که شرکت از تعدیل‌ها هزینه‌ها در شرایط فعلی دست بکشد. عدم اطمینان سیاسی باعث می‌شود که مدیران در مورد سیاست‌های اقتصادی همچون مالیات، صادرات و واردات، قوانین کاری و / یا تخصص منابع مانند قراردادهای و سیاست حمایت از صنایع و کسب و کارها مانند یارانه‌های دولتی دچار تردید گردند. عدم اطمینان به وجود آمده در ایام انتخابات سبب می‌شود که شرکت‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاری و رفتار استخدامی خود را موقتا به تعویق بیندازند (بلوم^۶، ۲۰۰۹). بر این اساس مدیران سعی دارند تا زمان رفع این ابهام با احتیاط بیشتر عمل کنند و تا زمان کسب اطلاعات بیشتر در مورد علت تغییر در تقاضا و دائمی بودن یا نبودن آن، از هر گونه تغییر در منابع خودداری کنند. به عبارتی بهتر در صورت وجود عدم اطمینان سیاسی، کاهش تقاضا موقتی تلقی شده و منابع بلااستفاده و / یا مازاد را تا زمان رفع این عدم اطمینان حفظ نمایند تا به افزایش تقاضای آتی احتمالی سریعاً واکنش نشان دهند؛ همچنین ممکن است در صورت افزایش تقاضا، این افزایش موقتی در نظر گرفته می‌شود و منابع جدید برای پاسخ به افزایش تا پس از انتخابات به تعویق بیافتد، تا با کاهش تقاضای آتی نیازی به تعدیل آنها نباشد.
- دوماً، از دیدگاه انتظارات مدیریتی، تصور مدیریت از آینده پس از انتخابات می‌تواند عامل دیگر در تعیین رفتار هزینه‌ها باشد. اگر مدیریت نسبت به نتایج انتخابات خوش‌بین باشد و تصور بر این باشد که سیاست‌هایی که دولت جدید پس از انتخابات اتخاذ می‌کند به بهبود تقاضا بیانجامد، افزایش (کاهش) تقاضای فعلی را دائمی (موقتی) تلقی نموده و منابع بلااستفاده و / یا مازاد را حفظ می‌نماید. اما اگر در

¹ Kallapur & Eldenburg

² Banker, Byzalov & Plehn-Dujowich

³ Baker, Bloom & Davis

⁴ Çolak, Durnev & Qian

⁵ Aaberge, Liu, & Zhu

⁶ Bloom

زمان عدم اطمینان سیاسی نسبت نتایج انتخابات بدبین باشد و انتظار بر این باشد که به وخامت تقاضا بیانجامد، کاهش (افزایش) تقاضا را دائمی (موقتی) قلمداد کرده و سرعت تعدیل منابع را افزایش می‌دهد. سوما، از دیدگاه انگیزه‌های مدیریتی، با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی^۱ بالا در طی دوره‌های انتخاباتی (مانند: پاسکواریلو و زافیقثرد^۲، ۲۰۱۴؛ برد و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ بون و دیگران^۴، ۲۰۱۹) که خود ناشی از عدم تمایل مدیران به افشای اطلاعات به علت دشواری پیش‌بینی و احتمال از دست رفتن شهرت می‌باشد (دای و انگو^۵، ۲۰۲۰: ۲۸۱)، و وجود مخاطرات اخلاقی^۶ و گزینش نادرست^۹ ناشی از این عدم تقارن، عدم اطمینان سیاسی به مدیران فرصت طلب این امکان را می‌دهند حتی با کاهش تقاضا، منابع بلااستفاده و/یا مازاد را حفظ نمایند یا حتی به واسطه افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و توانایی کمتر نظام راهبری شرکتی در نظارت و کنترل مدیران، در این دوره منابع را افزایش داده و امپراطوری خود را گسترش دهند و باعث افزایش چسبندگی هزینه‌ها شود. از سوی دیگر، با توجه به کاهش تقاضا و ترجیح مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی در طی دوران انتخاباتی (مانند: کیم^{۱۰}، ۲۰۲۱)، مدیران ممکن است با انگیزه‌های اقتصادی به منظور اجتناب از زیان یا تحقق سود، منابع بلااستفاده / مازاد را با سرعت بالای تعدیل نمایند.

مطالعات پیشین همچون لی و همکاران (۲۰۱۰) و اولی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که وجود عدم اطمینان سیاسی و عدم وجود آن می‌تواند به تفاوت در رفتار هزینه منجر گردد. با توجه مطالب بین شده فرضیه اول پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردد:

^۱ عدم تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد یا معامله از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد و هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر، به صورت مؤثر از این اطلاعات استفاده کند (بودی و لیو، ۲۰۰۰). این آگاهی بیشتر، باعث ایجاد منافع اقتصادی برای طرف برخوردار از اطلاعات اضافی می‌شود، به طوری که این منافع بابت برخورداری از اطلاعات بیشتر است. پدیده عدم تقارن اطلاعاتی از آنجا ناشی می‌شود که سرمایه‌گذاران تصمیم‌های مالی خود را بر اساس اطلاعاتی می‌گیرند که به وسیله مدیریت شرکت تهیه شده است. در واقع بین استفاده - کنندگان اطلاعات با تهیه‌کنندگان اطلاعات، تضاد منافع وجود دارد (فروغی و منوچهری، ۱۳۹۱). مخاطره اخلاقی و گزینش نادرست دو مشکل اصلی در عدم تقارن اطلاعاتی است.

^۲ Pasquariello & Zafeiridou

^۳ Bird, Karolyi & Ruchti

^۴ Boone, Kim & White

^۵ Dai & Ngo

^۶ Moral Hazard

^۷ یکی از مشکلات سازمان است که در آن مدیران علیه منافع صاحبان عمل می‌کنند و از فرآیند قرارداد به نفع به بیشینه‌سازی ثروت خود استفاده می‌کنند (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶).

^۸ Adverse Selection

^۹ یکی از مشکلات سازمان است که در آن مالکان به طور کامل به تمام اطلاعات موجود که مدیر در زمان تصمیم‌گیری آنها در نظر گرفته است، به طور کامل دسترسی نداشته و باعث می‌شود که مالک قادر به ارزیابی این مورد نباشد که آیا این تصمیم برای منافع شرکت بهترین است یا خیر (آدامز، ۱۹۹۴).

^{۱۰} Kim

فرضیه اول: رفتار نامتقارن هزینه‌ها در دوران انتخابات ریاست جمهوری (نسبت به سال‌های دیگر) متفاوت است.

۴-۲- ساختار مالکیت

ساختار مالکیت که به نحوه توزیع مالکیت (سهام شرکت) بین صاحبان واحد تجاری (سهامداران) اشاره دارد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲) به عنوان یک متغیر کلیدی تعیین‌کننده آن است چه کسی/ یا کسانی در شرکت تصمیم‌گیرنده نهایی هستند؛ به بیان کیومار و زاتونی^۱ (۲۰۱۵) ساختار مالکیت یک متغیر چند بعدی که می‌تواند در ابعاد مختلف مانند هویت سهامداران، تمرکز سهامداران و واگرایی بین مالکیت و حق رأی تجزیه و تحلیل گردد (ص ۴۶۹). ساختار مالکیت تأثیر مهمی بر رفتار و تصمیم سهامداران و مدیران دارد که به نوبه خود می‌تواند بر میزان نظارت و میزان محدودیت سهامداران نسبت به مدیران تأثیر بگذارد و هزینه‌های نمایندگی و عملکرد عملیاتی مختلف را شکل دهد (یانو،^۲ ۲۰۱۸: ۱۶۵).

این پژوهش بر اساس هویت بزرگ‌ترین سهامداران ساختار مالکیت را به دو نوع مالکیت دولتی و خصوصی تقسیم می‌کند. مالکیت دولت نشان‌دهنده سهام در اختیار دولت‌ها یا مؤسسات وابسته به دولت است و با ویژگی‌های خاص، موقعیت تأثیرگذار بر شرکت‌های تحت کنترل نشان داده می‌شود (آلیوچنا و کامینسکی^۳، ۲۰۱۷: ۴۹۰). به عبارتی دیگر، در شرکت با مالکیت دولتی، دولت - دولت‌های منطقه‌ای یا حتی شهری - از طریق مالکیت کامل یا اکثریت قابل توجه کنترل قابل توجهی بر آن‌ها دارد (آندرس و همکاران^۴، ۲۰۱۹: ۶۱۷). مطابق با تعریف ماده ۴ قانون محاسبات کشور مصوب شهریور ماه ۱۳۶۶ شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت است، شرکت دولتی تلقی می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱).

حامیان مالکیت دولتی معمولاً از هدف سنتی شرکت‌های دولتی، یعنی تهیه ابزاری برای علاج شکست بازار از طریق سیاست‌های قیمت‌گذاری که هزینه نهایی اجتماعی را در نظر گرفته است، برای حمایت خود از این نوع ساختار مالکیت استفاده می‌کنند. زمانی که سهامدار غالب دولت است، به احتمال زیاد از طریق "دست یاری"^۵ حمایت مالی و سیاسی را برای شرکت فراهم می‌کند. دولت، به عنوان یک قانون‌گذار، مسئول محافظت از مردم بوده و مسئولیت حصول اطمینان از استفاده شرکت‌ها از روش‌های حاکمیت شرکتی خوب را به منظور

¹ Kumar & Zattoni

² Yao

³ Aluchna & Kaminski

⁴ Andrades, Martinez-Martinez, Larrán & Herrera

⁵ Helping Hands

محافظت از ذینفعان خود، بر عهده دارد (ال موسالی و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۴۱۳). در همین زمینه مطالعات متعدد اثبات کرده‌اند که با توجه به مساعدت دولت در دادن مزایا در قالب تسهیل دسترسی به منابع مالی و ارائه تضمین‌های مشهود برای تأمین مالی از طریق وام، یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، شبکه‌های تجاری، قراردادهای اقتصادی با آژانس‌های دولتی و همچنین ارسال سیگنال‌های تجاری مثبت به بازار و کنار آمدن با عدم اطمینان خارجی، مالکیت دولتی با بهبود عملکرد مالی همراه است (مانند: سان و همکاران، ۲۰۰۲؛ لو و باک^۲، ۲۰۱۱؛ زیتون^۳، ۲۰۱۴؛ گروسمن و همکاران^۴، ۲۰۱۶؛ وانگ و شیلر^۵، ۲۰۱۷؛ عبدالله و اسماعیل^۶، ۲۰۱۷؛ المطری و همکاران^۷، ۲۰۱۷؛ الجنادی^۸، ۲۰۲۱؛ دین و همکاران^۹، ۲۰۲۱؛ خدادادی و تاکر، ۱۳۹۱؛ خلیفه سلطانی و عباسی ملک آبادی، ۱۳۹۱؛ لاله ماژین و همکاران، ۱۳۹۶). دینگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که اثر همسویی منافع مالکان و منافع شرکتی در شرکت‌های با مالکیت دولتی با شرکت قابل لمس‌تر است، چرا که وقتی مالکیت دولت متمرکز شود، دولت کمتر احتمال دارد که شرکت‌های دولتی را به خاطر منافع خود مصادره کند (لیو^{۱۱}، ۲۰۱۹: ۵۳). همچنین، دولتمردان با انگیزه حسن شهرت، بر مدیران نظارت کافی خواهند داشت و دیگر اینکه وجود مالکیت دولتی به نوعی سازوکار حمایت از سهامداران، به خصوص سهامداران اقلیت است (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲). هیرن و پیسی^{۱۲} (۲۰۱۳) اظهار داشتند که مالکیت دولت می‌تواند از سهامداران اقلیت حمایت کند و بنابراین، به کاهش عدم اطمینان و انتخاب نامطلوب کمک می‌کند (ص، ۹۶).

از سوی دیگر، مالکیت دولتی بسیار متمرکز منجر به نگرانی فزاینده‌ای می‌شود که دولت ممکن است اهداف سیاسی را بر منافع تجاری اولویت بگذارد و از موقعیت کنترل سهامداری خود برای سلب مالکیت منافع سهامداران اقلیت سواستفاده کند (نگاه کنید به سو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ به این دلیل که دولت‌ها (سیاستمداران) تمایل دارند به دلیل منافع شخصی سیاسی در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت‌های دولتی دخالت کرده و خواستار فعالیت‌های شرکتی شوند که از نظر سیاسی - اجتماعی می‌تواند مطلوب باشد (ژونگ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). اهداف سیاسی - اجتماعی (مانند به‌کارگیری کارکنان اضافی و یا تولید کالاهای مدنظر دولت به جای بازار) ممکن است با اهداف سایر سهامداران در تضاد باشد و حداکثرسازی ارزش شرکت را

¹ Al-Musali, Qeshta, Al-Atfafi & Al-Ebel

² Le & Buck

³ Zeitun

⁴ Grosman, Okhmatovskiy & Wright

⁵ Wang & Shailer

⁶ Al-Matari, Al-Matari & Saif

⁷ Abdallah & Ismail

⁸ Al-Janadi

⁹ Din, Arshad Khan, Khan & Khan

¹⁰ Ding, Zhang & Zhang

¹¹ Liu

¹² Hearn & Piesse

¹³ Su, Xu & Phan

تضعیف نماید (پرابوو و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۷۳). مطالعات متعدد اثبات کرده‌اند که مالکیت دولت منجر به کاهش کارایی شرکت می‌شود (مانند: شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۸؛ ژنگ و همکاران^۱، ۱۹۹۸؛ ژو و وانگ^۲، ۱۹۹۹؛ سان و تانگ^۳، ۲۰۰۳؛ مگینسون و همکاران، ۲۰۱۴؛ هوانگ و ژئو^۴، ۲۰۱۵). به همین ترتیب، تعدادی از مطالعات تجربی رابطه منفی بین مالکیت سهام دولت و عملکرد شرکت را مستند نموده‌اند (مانند: کی و همکاران^۵، ۲۰۰۰؛ وی و همکاران^۶، ۲۰۰۵؛ گوناسکاراژی و همکاران^۷، ۲۰۰۷؛ لین و همکاران^۸، ۲۰۰۹؛ هس و همکاران^۹، ۲۰۱۰؛ الملکاوی و پیلای^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ علوی^{۱۱}، ۲۰۱۹؛ لوپرشک و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۱؛ جامعی و نجفی، ۱۳۹۸). این کارایی کمتر در شرکت‌های با مالکیت دولتی را می‌توان ناشی تضاد شدیدی دانست که بین مالکان و مدیران وجود دارد. این تضاد شدید به دو علت بوجود می‌آید: اول، وجود مشکل نمایندگی دوگانه^{۱۳} و دوم، عدم وجود انگیزه برای نظارت و کنترل مدیران (زویو و ژیاو^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ لین و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۱)^{۱۶}. همچنین، اندازه‌گیری عملکرد شرکت‌های دولتی به علت متفاوت بودن ناشی از گنجانده شدن اهداف سیاسی - اجتماعی پیچیده و دشوار است و فضای اختیارات مدیران را گسترش می‌دهد (نگاه کنید به تیرول^{۱۷}، ۱۹۹۴؛ بای و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۰؛ ساپینزا^{۱۹}، ۲۰۰۴). بنابراین، مدیران شرکت‌های با مالکیت دولتی می‌توانند از اهداف سیاسی - اجتماعی شرکت به عنوان بهانه‌ای برای عملکرد ضعیف خود استفاده کرده و به راحتی منافع شخصی خود را دنبال کنند (پرابوو و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۷۴). در این شرکت‌ها، مدیر اغلب توسط

¹ Zheng, Liu & Bigsten

² Xu & Wang

³ Sun & Tong

⁴ Huang & Zhu

⁵ Qi, Wu & Zhang

⁶ Wei, Xie & Zhang

⁷ Gunasekarage, Hess & Hu

⁸ Lin, Ma & Su

⁹ Hess, Gunasekarage & Hovey

¹⁰ Al-Malkawi & Pillai

¹¹ Alawi

¹² Laporšek, Dolenc, Grum & Stubelj

^{۱۳} جایی که مدیران شرکت‌ها نمایندگان دولت هستند، که به نوبه خود نمایندگان مالکان "واقعی" املاک عمومی یعنی مردم هستند (پرابوو و همکاران^{۱۳}، ۱۹۸۶)، جایی که همه شهروندان مالک مشترکی هستند که در عمل، هیچ قدرت یا انگیزه‌ای برای تأثیرگذاری و نظارت بر مدیریت شرکت‌های دولتی ندارند و دولت‌ها را به عنوان تنها نماینده قدرتمند باقی می‌گذارند (هویوبرز^{۱۳}، ۲۰۱۵).

^{۱۴} Zou & Xiao

^{۱۵} Lin, Ma, Malatesta & Xuan

^{۱۶} که ناشی از وجود تفکیک بین دارندگان حق رای و حق جریان وجه نقد است. تفکیک حق رای و جریان نقدی به این معنی است که نهادهای دولتی دارای حق رای هستند - جایی که صاحبان نهایی سهام شرکت‌های با مالکیت دولتی، شهروندان هستند (لی و تانویوس، ۲۰۱۷: ۳۱۹) - اما حق جریان نقدی که توسط وزارت اقتصاد و دارایی دریافت می‌شود را دارا نیستند. کارکنان سازمان‌های دولتی حقوق کارکنان دولتی را دریافت می‌کنند که مستقل از عملکرد شرکت است. بنابراین، سازمان‌های دولتی از انگیزه‌ای برای نظارت و کنترل مدیرانی که تمایل بیشتری به تأمین منافع شخصی خود دارند، برخوردار نیستند (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۷۴).

^{۱۷} Tirole

^{۱۸} Bai, Li, Tao & Wang

^{۱۹} Sapienza

دولت منصوب می‌شود، نه اینکه از طریق بازار مدیریت بخش خصوصی استخدام شود (کولینان و همکاران^۱، ۲۰۱۲: ۲)، که معمولا از طیف سیاستمداران، یا افرادی هستند که زمینه سیاسی دارند (ینگ و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۳۱۵). این در حالی است که مدیران شرکت‌های خصوصی تحت بازار کارا، با سازوکارهای کنترلی بیشماری از جمله سازوکارهای داخلی مانند مشوق‌های جبران خدمات و پاداش و سازوکارهای خارجی همچون نظارت بر فعالیت از سوی سهامداران و دارندگان اوراق قرضه، بازار کار مدیریتی رقابتی و تهدید به تصاحب منضبط می‌شوند (جنسن، ۱۹۸۶). این سازوکارها انگیزه‌ها و فشارهایی را ایجاد می‌کنند که نه تنها مدیران را تشویق می‌کند بلکه آن‌ها را وادار می‌نماید که به عنوان نماینده خوب برای سهامداران عمل کند، سازوکارهای که در شرکت‌های با مالکیت دولتی مشاهده نمی‌گردد (کوئرو و ویلالونگا^۳، ۲۰۰۰: ۵۸۲). بر این اساس، برخی از پژوهشگران استدلال می‌کنند که تسلط مالکیت دولتی منجر به نظارت با اثربخشی کمتر بر مدیریت و مشکلات حادث‌تر نمایندگی می‌شود (مانند: آرمسترانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ فرث و همکاران^۵، ۲۰۰۷).

۵-۲- ساختار مالکیت و تأثیر آن بر رابطه بین عدم اطمینان سیاسی و رفتار نامتقارن هزینه

پژوهش‌های پیشین بر مبنای هر سه دیدگاه هزینه‌های تعدیل، انگیزه‌های مدیریتی و انتظارات مدیریتی نشان داده‌اند که رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی متفاوت است به طوری که چسبندگی هزینه در شرکت‌های دولتی بالاتر است (مانند: بیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ پرابوو و همکاران، ۲۰۱۸؛ ژونگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ در ایران ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱). در این پژوهش نیز پیش‌بینی می‌گردد که رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌های با مالکیت دولتی در مقایسه با شرکت‌های با مالکیت خصوصی در دوران انتخابات ریاست جمهوری از یکدیگر متفاوت باشد.

اولاً، بر مبنای دیدگاه تعدیل هزینه‌ها، سیاستمداران از این تمایل برخوردارند که شرکت‌های اقتصادی تحت کنترل خود را به انجام اهداف شخصی وادار کنند و از آنها برای کسب شهرت، انتخاب مجدد یا ارتقا سطح کمک بگیرند. به عبارتی بهتر آنها می‌توانند با جلوگیری کردن از تعدیل نیروی انسانی (اخراج کارکنان یا کاهش دستمزد آن‌ها) یا متوقف کردن سرمایه‌گذاری (تولیدات مدنظر خود) در زمانی کاهش فروش با حفظ سطح اشتغال فعلی یا تأمین کالا، حمایت سیاسی را جلب نموده و از آن در کسب رأی استفاده کنند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۴؛ بویکو و همکاران^۶، ۱۹۹۶؛ شلیفر، ۱۹۹۸). این دست از اقدامات در زمان انتخابات، منجر به ساختار هزینه‌های غیرارتجاعی برای شرکت‌های با مالکیت دولتی می‌شود. این

¹ Cullinan, Wang, Wang & Zhang

² Ying, Wright & Huang

³ Cuervo & Villalonga

⁴ Armstrong, Guay & Weber

⁵ Firth, Fung & Rui

⁶ Boycko, Shleifer & Vishny

درحالیست که شرکت‌های خصوصی نیازی به در نظر گرفتن چنین ملاحظات سیاسی- اجتماعی در تصمیمات تعدیل هزینه‌های خود ندارند، بنابراین احتمالاً تصمیمات هزینه آنها نسبت به شرکت‌های با مالکیت دولتی در زمان انتخابات کمتر نامتقارن خواهد بود.

- دوما، از دیدگاه انتظارات مدیریتی، دادن وعده‌های اقتصادی از سوی سیاستمداران ممکن است مدیران نسبت به آینده خوش‌بین نمایند. این خوش‌بینی ممکن در با دادن قول‌های همچون کاهش هزینه‌ها، تأمین ارز ارزان‌تر، دریافت یارانه بیشتر، تسریع در روند فرآیند تأمین مالی و حمایت بیشتر از طرح‌های در حال ساخت، افزایش قراردادهای دولتی بیشتر برای تضمین فروش در شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی بیشتر باشد. بنابراین، در زمان انتخابات مدیران شرکت‌های دولتی تمایل بیشتری دارند که منابع بلااستفاده را برای کاهش فروش فعلی حفظ نمایند و در صورت افزایش فروش در دوره جاری، منابع را اضافه کنند. این خوش‌بینی مدیریتی بیشتر در شرکت‌های دولتی در زمان انتخابات منجر به رفتار نامتقارن بیشتر هزینه نسبت به شرکت‌های خصوصی خواهد شد.
 - سوماً، از دیدگاه انگیزه‌های مدیریتی، با توجه به اینکه در شرکت‌های دولتی انتصاب مدیران از سوی دولت صورت می‌گیرد، عدم اطمینان سیاسی باعث می‌شود تا مدیران در مورد افق زمانی حرفه‌ای خود دچار تردید شوند. در واقع انتخابات باعث می‌شود مدیران شرکت‌های دولتی با این ریسک مواجه باشند که در صورت عدم انتخاب دولتی فعلی (یا حزب فعلی) جایگاه شغلی خود را از دست بدهد. بدین ترتیب اگر مدیران بر این باور باشند که دولت فعلی (یا حزب فعلی) جایگاه خود را پس از انتخابات از دست می‌دهد، ممکن است برای کسب منافع شخصی بیشتر - از طریق دریافت پاداش بیشتر در آخرین دوره تصدی خود -، سود را از طریق تسریع حذف منابع بلااستفاده / مازاد افزایش دهند. بر این اساس رفتار ضدچسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های دولتی در زمان انتخابات تقویت می‌گردد. این در حالی است که اگر مدیران شرکت‌های دولتی، به ابقای دولت فعلی (یا حزب فعلی) در جایگاه خود امیدوار باشند، تمایل خواهند داشت تا برای حفظ موقعیت و جایگاه خود، با افزایش فروش، منابع را بیش از حد بسط دهند و هنگام کاهش فروش، منابع بلااستفاده / مازاد را بسیار کم کاهش دهند. بر این اساس رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های دولتی در زمان انتخابات افزایش می‌یابد.
- در این زمینه، پرابوو و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که اثر انتخابات بر چسبندگی هزینه شرکت‌های دولتی بیشتر از شرکت‌های خصوصی است. با توجه مطالب بین شده فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه دوم: رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌های با مالکیت دولتی در مقایسه با شرکت‌های با مالکیت خصوصی در دوران انتخابات ریاست جمهوری متفاوت است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. همچنین پژوهش از لحاظ زمان در نوع پژوهش‌های پس رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری طبقه‌بندی می‌گردد. در این پژوهش برای آزمون فرضیات از رگرسیون به روش حداقل مربعات معمولی با خوشه بندی خطاها در سطح شرکت استفاده شده است.

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

قلمرو مکانی پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران است و جامعه آماری این پژوهش کل شرکت‌های پذیرفته شده و فعال در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در قلمرو زمانی ۱۱ ساله بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری پژوهش شرایط زیر لحاظ گردید:

- (۱) جزو شرکت‌هایی باشد که عمده فعالیت‌های آن تولید بوده جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه-گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند
- (۲) اطلاعات مورد نیاز برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش آن در اختیار باشد.
- (۳) سال-شرکت‌هایی که داری قیود زیر باشند از نمونه حذف می‌شوند (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴).
۱-۳) هزینه‌های عملیاتی بطور قابل توجهی بالا یا پایین است (هزینه عملیاتی کمتر از ۵۰ درصد یا بیشتر از ۲۰۰ درصد فروش)؛
۲-۳) تغییرات فروش بطور عمده‌ای تغییر داشته است (بیش از ۵۰ درصد افزایش فروش نسبت سال پیش یا بیش از ۳۳ درصد کاهش فروش نسبت سال پیش)؛
۳-۳) جهت تغییرات در فروش و جهت تغییرات در هزینه‌های عملیاتی با یکدیگر هم‌راستا نیست؛
و
۴-۳) تغییر سال مالی رخ داده است.

نمونه به روش حذف سیستماتیک انتخاب گردیده است و متناسب با شرایط ذکر شده تعدادی از شرکت‌های نمونه آماری انتخاب و داده‌های آن‌ها در آزمون فرضیه بکار می‌رود. بر اساس معیارهای فوق ۳۲۵ شرکت (۱۹۹۰ مشاهده) شناسایی گردید و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به کار گرفته شد. روند انتخاب نمونه آماری در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- نمونه آماری

تعداد	معیارها
۶۴۷	کل شرکت‌های پذیرفته شده و فعال در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس
(۲۳۵)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها
(۶۹)	شرکت‌های که اطلاعات مورد نیاز آن‌ها در در دسترس نبود
(۱۸)	شرکت‌های که در تمام سال‌های مورد نظر دارای شرایط در نظر گرفته شده برای قیود بودند
۳۲۵	تعداد شرکت‌های نمونه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

سپس کلیه اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران شامل کدال و RDIS، نرم افزارهای ره‌آورد نوین و اداره ثبت شرکت‌ها و ... جمع‌آوری گردید. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای اکسل و استاتا ۱۴ استفاده شده است.

۳-۲- متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به سه گروه متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل تقسیم می‌شوند، که نحوه محاسبه آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲- متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش
وابسته		
مستقل		
تعیین‌کننده		

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۵ / پیاپی ۵۹ / پائیز ۱۴۰۲

متغير	نماد	نحوه محاسبه متغيرهای پژوهش
شدت دارایی‌ها	ASINT	برابر است با لگاریتم طبیعی نسبت جمع دارایی‌ها به فروش
نرخ رشد اقتصادی	ΔGDP	برابر است با نرخ تغییر تولید ناخالص داخلی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۳- مدل پژوهش

فرضیه‌های پژوهش با مدل بسط یافته اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) و بر اساس پژوهش‌های پیشین همچون بنکر و بیزالو (۲۰۱۴)، بالاکریشن و همکاران (۲۰۱۴) و ... به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- مدل اول (فرضیه اول)

$$\Delta \ln SG\&A_i = \beta_0 + \beta_1 EY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_2 EY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_3 NEY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_4 NEY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_5 ASINT_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_6 ASINT_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_7 \Delta GDP_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_8 \Delta GDP_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \varepsilon_i$$

- مدل دوم (فرضیه دوم)

$$\Delta \ln SG\&A_i = \beta_0 + \beta_1 SOE_i \times EY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_2 SOE_i \times EY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_3 SOE_i \times NEY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_4 SOE_i \times NEY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_5 NSOE_i \times EY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_6 NSOE_i \times EY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_7 NSOE_i \times NEY_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_8 NSOE_i \times NEY_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_9 ASINT_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_{10} ASINT_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_{11} \Delta GDP_i \times \Delta \ln Sales_i + \beta_{12} \Delta GDP_i \times D_i \times \Delta \ln Sales_i + \varepsilon_i$$

که در آن:

- ε_i : جملات باقیمانده رگرسیون

۴- بررسی نتایج آماری

۴-۱- بررسی آمار توصیفی

در روش‌های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدولی از نتایج آماره‌های توصیفی و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شود، تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. نتایج آماره‌های توصیفی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	مشاهدات	متغیر	نماد		
۰/۲۱۷	-۰/۴۱۹	۰/۴۴۰	-۰/۰۱۱	-۰/۰۰۵	۱۹۹۰	$\Delta \text{LnSG\&A}$	لگاریتم تغییر در هزینه‌های عمومی، اداری و فروش	وابسته	پژوهش
۰/۱۸۶	-۰/۳۱۸	۰/۳۲۵	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۵	۱۹۹۰	$\Delta \text{LnSales}$	لگاریتم تغییر در درآمد فروش	مستقل	
۰/۲۲۳	-۰/۳۶۷	۰/۴۶۷	۰/۰۶۸	۰/۰۶۲	۱۹۹۰	ASINT	شدت دارایی‌ها	کنترلی	
۵/۸۳۵	-۷/۷۱۴	۱۲/۵۱۸	۰/۰۰۵	۰/۶۶۱	۱۹۹۰	ΔGDP	نرخ رشد اقتصادی		
درصد فراوانی		فراوانی		مشاهدات	متغیر	نماد			مستقل
صفر	یک	صفر	یک						
۴۹/۰۵	۵۰/۹۵	۹۷۶	۱۰۱۴	۱۹۹۰	D	کاهش فروش			
۷۲/۳۶	۲۷/۶۴	۱۴۴۰	۵۵۰	۱۹۹۰	EY	سال انتخابات			
۳۸/۲۹	۶۱/۷۱	۷۶۲	۱۲۲۸	۱۹۹۰	SOE	مالکیت دولتی			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که متغیر وابسته پژوهش، تغییر در هزینه‌های فروش، عمومی و اداری دارای میانگین و میانه $-۰/۰۰۵$ و $-۰/۰۱۱$ است. این عدد بیانگر آن است که اکثر مشاهدات حول این نقطه متمرکز هستند. میانه $-۰/۰۱۱$ نیز به دلیل نزدیکی به میانگین، نشان از نرمال بودن توزیع متغیرها دارد. همچنین نزدیک بودن آن به صفر نشان می‌دهد که در نیمی از شرکت‌ها تغییرات فروش مثبت و در نیمی دیگر منفی بوده است. به بیان دیگر حدوداً نیمی از شرکت‌ها دارای هزینه‌هایی با رفتار نامتقارن و نیمی دیگر رفتار متقارنی دارند. حداکثر و حداقل مقادیر این متغیر نیز به ترتیب $۰/۴۴$ و $-۰/۴۱۹$ است. انحراف معیار نیز میزان پراکندگی نسبت به میانگین را نشان می‌دهد. در این راستا لگاریتم تغییر در هزینه‌های عمومی، اداری و فروش $۰/۲۱۷$ واحد پراکندگی نسبت به میانگین دارد که پراکندگی نسبتاً متوسطی است. به همین ترتیب لگاریتم تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته و لگاریتم تغییرات فروش نیز نتایج مشابه نشان می‌دهد. این نتایج با مطالعات فرجی و مصطفی پور (۱۳۹۹)، همخوانی دارد. با توجه به مقادیر میانگین و میانه $-۰/۰۰۵$ و $-۰/۰۰۸$ برای لگاریتم تغییر در فروش می‌توان عنوان کرد که بیش از نصف نمونه مورد بررسی کاهش فروش را نسبت به سال پیشین تجربه کرده‌اند. متغیر مجازی کاهش فروش نیز نشان می‌دهد که حدود ۵۱ درصد از ۱۹۹۰ سال شرکت مورد بررسی با کاهش فروش نسبت به سال پیشین مواجه شده‌اند. در واقع میزان فروش نیمی از شرکت‌ها هر سال کمتر از سال قبل بوده است. همچنین شدت دارایی به طور میانگین $۰/۰۶۲$ است.

این متغیر نیز از لگاریتم نسبت جمع دارایی‌ها به فروش محاسبه شده است. مثبت بودن آن بیانگر آن است که به طور متوسط دارایی‌های شرکت‌ها بیش از فروش آن‌ها است. این نتایج نیز با مطالعات حسینی پور و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی دارد. در همین راستا میانگین نرخ رشد اقتصادی طی دوره ۱۱ ساله مورد بررسی ۰/۶۶ درصد بوده است. این میزان رشد چندان قابل توجه نیست. در این راستا بیشترین و کمترین رشد اقتصادی به ترتیب ۱۲/۵۱ درصد و ۷/۷۱- درصد بوده است. همچنین ۲۷/۶۴٪ از شرکت‌های نمونه (۵۵۰ مشاهده) برای سال‌های برگزاری انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد. علاوه بر این نتایج در مورد متغیر مستقل مالکیت دولتی نشان می‌دهد ۶۱/۷۱ درصد از نمونه مورد بررسی دارای سهامدارانی دولتی یا شبه دولتی بوده‌اند که بیش از ۵۰ درصد از سهام شرکت را در اختیار داشته‌اند.

۲-۴- بررسی نتایج همبستگی

همچنین در جدول ۴ همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است. با توجه به این همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی در جدول ۳ شرکت بالا نیست، می‌توان بیان کرد که بین این متغیرها در مدل رگرسیونی پژوهش همخطی وجود نخواهد داشت.

جدول ۴: همبستگی بین متغیرهای پژوهش

نماد	$\Delta \text{LnSG\&A}$	$\Delta \text{LnSales}$	$D \times \Delta \text{LnSales}$	EY	SOE	ASINT	ΔGDP
$\Delta \text{LnSG\&A}$	۱/۰۰۰						
$\Delta \text{LnSales}$	۰/۲۶۷*	۱/۰۰۰					
$D \times \Delta \text{LnSales}$	۰/۲۵۹*	۰/۹۳۹*	۱/۰۰۰				
EY	۰/۰۵۵*	۰/۰۶۳*	۰/۰۶۵*	۱/۰۰۰			
SOE	۰/۰۲۶	۰/۰۱۸	۰/۰۴۱	۰/۰۱۱	۱/۰۰۰		
ASINT	۰/۰۶۰*	۰/۰۲۱۶*	۰/۰۲۱۸*	۰/۰۸۹*	۰/۰۷۸*	۱/۰۰۰	
ΔGDP	۰/۱۴۹*	۰/۰۴۵*	۰/۰۷۹*	۰/۱۶۱*	۰/۰۰۳	۰/۰۵۸*	۱/۰۰۰

*در سطح اطمینان ۹۰٪، **در سطح اطمینان ۹۵٪ و ***در سطح اطمینان ۹۹٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۴- بررسی آمار استنباطی

۱-۳-۴- آزمون مدل اول

به منظور آزمون فرضیه اول و برآورد مدل اول از داده‌های ترکیبی و رگرسیون به روش حداقل مربعات معمولی^۱ و رویکرد خطای استاندارد مقاوم^۲ استفاده شده است که در آن خودهمبستگی خطاها^۳ و ناهمسانی واریانس^۴ به صورت همزمان رفع می‌گردد (مانند: سرلک و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹؛ فرجی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ الف، ب، ج؛ کرمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ قافله باشی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱). شایان ذکر است متغیرهای پژوهش قبل از برآورد رگرسیون نرمال گردید، هر چند نباید نگران نرمال بودن مشاهدات بود چرا که زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشند، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز تلقی می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیون اول پژوهش در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: آزمون مدل‌ها

$\Delta \text{LnSG\&A}$		تعداد مشاهدات: ۱۹۹۰
آماره t	ضریب	متغیر
(-۲/۳۰۰)	--/۰۳۵**	C
(۵/۳۸۰)	/۰۴۲۳***	$EY^* \Delta \text{LnSales}$
(-۱/۶۲۰)	--/۰۲۱۴	$EY^* D^* \Delta \text{LnSales}$
(۶/۱۶۰)	/۰۳۷۳***	$NEY^* \Delta \text{LnSales}$
(-۱/۷۰۰)	--/۰۱۸۳*	$NEY^* D^* \Delta \text{LnSales}$
(۰/۳۵۰)	/۰۰۶۳	$ASINT \times \Delta \text{LnSales}$
(۱/۵۰۰)	/۰۳۹۶	$ASINT \times D \times \Delta \text{LnSales}$
(۴/۵۰۰)	/۰۰۲۶***	$\Delta \text{GDP} \times \Delta \text{LnSales}$
(-۵/۲۶۰)	--/۰۰۴۷***	$\Delta \text{GDP} \times D \times \Delta \text{LnSales}$
کنترل شد		Industry
(۰/۰۰۰)	۸/۹۷۰	آماره F (احتمال آماره)
۰/۱۰۰		ضریب تعیین
۰/۰۸۷۹		ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۹۲۳		آماره آزمون دوربین واتسون
*در سطح اطمینان ۹۰٪، **در سطح اطمینان ۹۵٪ و ***در سطح اطمینان ۹۹٪		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

¹ Ordinary Least Squares

² Standard error robust

³ Heteroskedastic

⁴ Autocorrelation in the Residuals

بر اساس نتایج بدست در جدول ۵ برای آزمون مدل‌ها، آماره فیشر نیز در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد، بنابراین مدل رگرسیون معنادار می‌باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد در حدود ۱۰٪ از تغییرات لگارتیم تغییر در هزینه‌های فروش، عمومی و اداری تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی مورد پژوهش بوده‌اند. نتایج حاصله در مورد متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد، ضریب متغیر نرخ رشد اقتصادی در زمان کاهش فروش به عنوان پروکسی برای انتظارات مدیریتی، در مدل سوم منفی و معنادار است، که می‌تواند بدین معنا باشد که با کاهش نرخ رشد اقتصادی، بر عدم تقارن در رفتار هزینه‌های عملیاتی نیز افزوده می‌شود.

با توجه به اینکه نتایج حاصله از برآورد مدل رگرسیونی اول، ضریب $EY \times \Delta LNSale$ در ستون اول جدول ۵ برابر با 0.423 ($p < 0.01$) می‌باشد در زمان انتخابات با افزایش تغییر در درآمد فروش، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش افزایش پیدا می‌کند، در حالیکه ضریب $EY \times D \times \Delta LNSale$ با -0.214 از لحاظ آماری معنادار نیست، در نتیجه وجود چسبندگی هزینه در عدم اطمینان سیاسی ناشی از برگزاری انتخابات تأیید نمی‌شود. از سوی دیگر در زمانی که انتخاباتی صورت نمی‌پذیرد با توجه به ضریب $NEY \times \Delta LNSale$ برابر با 0.373 و معنادار بودن آن در سطح اطمینان ۹۹٪ و منفی بودن و معنادار بودن ضریب $NEY \times D \times \Delta LNSale$ برابر با -0.183 در سطح اطمینان ۹۰٪، می‌توان چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در زمان‌های غیر انتخاباتی را تأیید کرد. بر اساس نتایج، مشاهده می‌شود که واکنش هزینه‌ها به کاهش فروش با وجود یا عدم وجود عدم اطمینان سیاسی یکسان نیست، چرا که در سال‌های غیرانتخابات بدلیل ثبات سیستم سیاسی رفتار هزینه‌ها به صورت چسبنده و در سال‌های انتخابات رفتار غیرچسبنده (خطی) می‌باشد و لذا فرضیه اول مبنی بر تفاوت در رفتار هزینه در طی دوره‌های انتخاباتی و غیر انتخاباتی پژوهش تأیید می‌شود. به عبارتی دیگر در سال‌های غیرانتخابات شرکت‌ها در واکنش به کاهش فروش، سرعت کمتری در کاهش هزینه‌ها نسبت به زمان افزایش فروش دارند. اما در سال‌های انتخابات این رفتار هزینه‌ها خطی و سرعت افزایش و کاهش هزینه‌ها بایکدیگر برابر است.

۲-۳-۴- آزمون مدل دوم

همانند مدل اول، برای آزمون فرضیه دوم و برآورد مدل دوم نیز از داده‌های ترکیبی و رگرسیون به روش حداقل مربعات معمولی و رویکرد خطای استاندارد مقاوم استفاده شده است، که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: آزمون مدل‌ها

$\Delta \text{LnSG\&A}$		تعداد مشاهدات: ۱۹۹۰
آماره t	ضریب	متغیر
(-۲/۳۴۰)	-۰/۰۳۶**	C
(۵/۱۷۰)	۰/۴۹۱***	SOE×EY× $\Delta \text{LnSales}$
(-۱/۹۲۰)	-۰/۳۰۷*	SOE×EY×D× $\Delta \text{LnSales}$
(۵/۰۲۰)	۰/۳۷۰***	SOE×NEY× $\Delta \text{LnSales}$
(-۱/۹۵۰)	-۰/۲۳۸*	SOE×NEY×D× $\Delta \text{LnSales}$
(۲/۷۲۰)	۰/۳۰۱***	NSOE×EY× $\Delta \text{LnSales}$
(-۰/۲۸۰)	-۰/۰۴۷	NSOE×EY×D× $\Delta \text{LnSales}$
(۴/۸۲۰)	۰/۳۷۳***	NSOE×NEY× $\Delta \text{LnSales}$
(-۰/۶۹۰)	-۰/۰۸۸	NSOE×NEY×D× $\Delta \text{LnSales}$
(۰/۴۹۰)	۰/۰۸۹	ASINT× $\Delta \text{LnSales}$
(۱/۲۸۰)	۰/۳۳۸	ASINT×D× $\Delta \text{LnSales}$
(۴/۴۲۰)	۰/۰۲۶***	$\Delta \text{GDP} \times \Delta \text{LnSales}$
(-۵/۲۷۰)	-۰/۰۴۷***	$\Delta \text{GDP} \times D \times \Delta \text{LnSales}$
کنترل شد		Industry
(۰/۰۰۰)	۷/۹۰۰	آماره F (احتمال آماره)
۰/۱۰۲		ضریب تعیین
۰/۰۸۸۵		ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۰۳۱		آماره آزمون دوربین واتسون
*در سطح اطمینان ۹۰٪، **در سطح اطمینان ۹۵٪ و ***در سطح اطمینان ۹۹٪		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بر اساس نتایج بدست در جدول ۶ برای آزمون مدل‌ها، آماره فیشر نیز در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد، بنابراین مدل رگرسیون معنادار است. ضریب تعیین حاکی از آن است در حدود ۱۰٪ از تغییرات لگارتیم تغییر در هزینه‌های فروش، عمومی و اداری تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی مورد پژوهش بوده‌اند. نتایج حاصل از تخمین رگرسیون جدول ۶، نشان می‌دهد که رفتار هزینه فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های با مالکیت دولتی در زمان برگزاری انتخابات (با توجه به ضرایب ۰/۴۹۱ (p<0.01) برای SOE×EY× $\Delta \text{LnSales}$ و -۰/۳۰۷ (p<0.10) برای SOE×EY×D× $\Delta \text{LnSales}$) چسبنده است، اما رفتار این هزینه در شرکت‌های با مالکیت خصوصی در همان سال‌های انتخاباتی (با توجه به ضرایب ۰/۳۰۱ و (p<0.01) برای NSOE×EY× $\Delta \text{LnSales}$ و -۰/۰۴۷ (p>0.10) برای NSOE×EY×D× $\Delta \text{LnSales}$) خطی می‌باشد. به عبارتی دیگر شرکت‌های دولتی در سال‌های انتخابات از حمایت دولتی بالاتری برخوردار بوده و رفتار چسبندگی هزینه‌ها را در مقایسه با شرکت‌های خصوصی تجربه می‌کنند. با توجه به نتیجه بدست آمده می‌توان

این فرضیه دوم پژوهش را مبنی بر تفاوت رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌های با مالکیت دولتی در مقایسه با شرکت‌های با مالکیت خصوصی در دوران انتخابات ریاست جمهوری، تایید نمود. از سوی دیگر، این یافته‌های حاصله حاکی از آن است که رفتار هزینه فروش، عمومی و اداری در سال‌های غیر انتخاباتی برای شرکت‌های دولتی (با توجه به ضرایب $0/370$ و $p < 0.01$) برای $SOE \times EY \times \Delta LNSale$ و $0/238$ و $p < 0.10$) برای $SOE \times EY \times D \times \Delta LNSale$ چسبنده است. این در حالی است که در شرکت‌های با مالکیت خصوصی، رفتار این هزینه در سال‌های غیر انتخاباتی (با توجه به ضرایب $0/373$ و $p < 0.01$) برای $NSOE \times EY \times \Delta LNSale$ و $0/088$ و $p > 0.10$) برای $NSOE \times EY \times D \times \Delta LNSale$ همانند سال‌های انتخاباتی خطی می‌باشد. بر این اساس، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های با مالکیت دولتی در سال‌های انتخاباتی به دلیل وجود عدم اطمینان سیاسی نسبت به سایر سال‌های غیرانتخاباتی بالاتر است. به عبارتی دیگر در تمام سال‌های چه انتخابات چه غیرانتخابات شرکت‌های با مالکیت دولتی دارای رفتار چسبنده هزینه‌ها نسبت به شرکت‌های خصوصی می‌باشند و شدت چسبندگی هزینه‌ها برای شرکت‌های با مالکیت دولتی در سال‌های انتخابات بالاتر است.

۴-۴- آزمون مدل‌های تکمیلی

در راستای بررسی نتایج بدست آمده، مدل‌های رگرسیونی دو متغیر بهای تمام شده کالای فروش رفته و همچنین کل هزینه‌های عملیاتی نیز مجدداً تخمین زده شدند. هردوی این متغیرها از طریق تفاضل لگاریتم طبیعی هزینه‌های مربوطه سال جاری و سال پیش که با تورم تعدیل شده است، اندازه‌گیری شدند. همچنین مدل‌های رگرسیونی با استفاده از داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات معمولی به روش خطای استاندارد مقاوم پژوهش برآورد گردید که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: آزمون مدل‌ها

$\Delta \ln OC$		$\Delta \ln CGs$		$\Delta \ln OC$		$\Delta \ln CGs$		تعداد مشاهدات: ۱۹۹۰
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	متغیر
$-0/015$	(-۱/۳۳)	$0/015^{**}$	(۲/۷۶)	$-0/014$	(-۱/۲۹)	$0/015^{***}$	(۲/۸۰)	C
				$0/867^{***}$	(۱۴/۵۴)	$0/803^{***}$	(۲۹/۰۲)	$EY \times \Delta \ln Sales$
				$-0/006$	(۰/۰۶)	$-0/222^{***}$	(۴/۶۹۰)	$EY \times D \times \Delta \ln Sales$
				$0/870^{***}$	(۲۰/۰۱)	$-0/858^{***}$	(۳۷/۷۲)	$NEY \times \Delta \ln Sales$
				$-0/056$	(-۰/۷۱)	$-0/104^{**}$	(۲/۷۲۰)	$NEY \times D \times \Delta \ln Sales$
$0/898^{**}$	(۱۲/۱۲)	$0/780^{**}$	(۲۲/۵۵)					$SOE \times EY \times \Delta \ln Sales$
$-0/047$	(-۰/۳۹)	$0/341^{**}$	(۴۰/۱۰)					$SOE \times EY \times D \times \Delta \ln Sales$
$0/864^{**}$	(۱۶/۳۰)	$0/853^{**}$	(۳۰/۸۱)					$SOE \times NEY \times \Delta \ln Sales$
$-0/114$	(-۱/۲۷)	$0/078^*$	(۱/۷۸۰)					$SOE \times NEY \times D \times \Delta \ln Sales$

(۱۰/۱۶)	۰/۸۱۰**	(۲۲/۹۳)	۰/۸۴۵**					NSOE×EY×ΔLnSales
(۰/۸۱)	۰/۱۰۱	(۳/۲۷۰)	۰/۱۹۰**					NSOE×EY×D×ΔLnSales
(۱۵/۸۹)	۰/۸۷۵**	(۲۹/۹۵)	۰/۸۶۵**					NSOE×NEY×ΔLnSales
(۰/۴۷)	۰/۰۴۳	(۳/۲۱۰)	۰/۱۴۹**					NSOE×NEY×D×ΔLnSales
(-۰/۶۱)	-۰/۰۸۵	(-۳/۴۱۰)	-۰/۲۱۰**	(-۰/۷۳)	-۰/۱۰۱	(-۲/۴۰)	-۰/۲۰۶**	ASINT×ΔLnSales
(۱/۲۸)	۰/۲۶۱	(۰/۳۳۰)	۰/۰۳۱۰	(۱/۵۳)	۰/۳۱۱	(۰/۴۷)	۰/۰۴۴	ASINT×D×ΔLnSales
(۵/۳۴)	۰/۰۲۳**	(۲/۹۰۰)	۰/۰۰۷**	(۵/۴۲)	۰/۰۲۴***	(۲/۸۹)	۰/۰۰۷***	ΔGDP×ΔLnSales
(-۶/۴۴)	-۰/۰۴۴**	(-۴/۳۹۰)	-۰/۰۱۵**	(-۶/۳۸)	-۰/۰۴۳***	(-۴/۲۵)	-۰/۰۱۴***	ΔGDP×D×ΔLnSales
کنترل شد		کنترل شد		کنترل شد		کنترل شد		Industry
(۰/۰۰۰)	۷۷/۹۸۰	(۰/۰۰۰)	۳۸۱/۲۴۰	(۰/۰۰۰)	۸۸/۵۷۰	(۰/۰۰۰)	۴۳۳/۵۸۰	آماره F (احتمال آماره)
-۰/۵۳۹		-۰/۸۳۰		-۰/۵۳۷		-۰/۸۲۹		ضریب تعیین
-۰/۵۱۶		-۰/۸۲۷		-۰/۵۱۱		-۰/۸۲۷		ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۰۲۲		۲/۰۱۶		۲/۰۱۹		۲/۰۱۱		آماره آزمون دوربین واتسون
*در سطح اطمینان ۹۰٪، **در سطح اطمینان ۹۵٪ و ***در سطح اطمینان ۹۹٪								

منبع: یافته‌های پژوهشگر

یافته‌های حاصل از برآورد مدل اول نشان می‌دهد در هر دو دوره سال‌های انتخاباتی و سال‌های غیر انتخاباتی رفتار بهای تمام شده کالای فروش رفته ضدچسبنده است، اما این ضدچسبندگی در سال انتخاباتی شدیدتر است. این نتیجه برای شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌های با مالکیت خصوصی نیز تکرار می‌شود. همچنین هزینه‌های عملیاتی در طی هر دو دوره سال‌های انتخاباتی و سال‌های غیر انتخاباتی به صورت خطی رفتار می‌کند و این نتیجه برای شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌های با مالکیت خصوصی نیز تفاوتی نمی‌کند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

رفتار نامتقارن هزینه به انتخاب‌های مدیریتی در تعدیل منابع پس از کاهش فعالیت نسبت داده شده است (بالاز و همکاران^۱، ۲۰۲۲: ۴۱۵) و درک این نوع رفتار حائز اهمیت است و برای اقتصاد مزایای مستقیمی را به همراه دارد. در واقع درک رفتار نامتقارن هزینه اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری در زمینه کنترل هزینه‌ها و ذینفعان خارجی (به عنوان مثال تحلیلگران مالی) به منظور ارزیابی عملکرد شرکت، در اختیار مدیران قرار می‌دهد (بیوگیجا و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۴۸). روش‌های تخمین هزینه بر اساس حرکت مکانیکی آن‌ها و فرض تناسب ممکن است نتایج دقیقی نداشته باشد؛ بنابراین، برای حفظ مزیت رقابتی شرکت در بازار، بسیار مهم است که چسبندگی هزینه در هنگام طبقه‌بندی آن‌ها در نظر گرفته شود (ابراهیم و عزت، ۲۰۱۷: ۱۷). بر

¹ Ballas, Naoum & Vlismas

همین اساس در پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا رفتار نامتقارن هزینه‌ها در چرخه‌های تجاری، سیاسی و ساختار مالکیت متفاوت است یا خیر.

نتایج در مورد فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد در سال‌های غیرانتخابات بدلیل ثبات سیستم سیاسی رفتار هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به صورت چسبنده و در سال‌های انتخابات رفتار غیرچسبنده (خطی) می‌باشد و لذا فرضیه اول مبنی بر تفاوت در رفتار هزینه در طی دوره‌های انتخاباتی و غیر انتخاباتی پژوهش تأیید می‌شود. به عبارتی بهتر، در سال‌های غیرانتخابات شرکت‌ها در واکنش به کاهش فروش، سرعت کمتری در کاهش هزینه‌ها نسبت به زمان افزایش فروش فروش دارند. اما در سال‌های انتخابات این رفتار هزینه‌ها خطی و سرعت افزایش و کاهش هزینه‌ها با یکدیگر برابر است. این نتیجه نشان می‌دهد که مدیران به عدم اطمینان سیاسی توجه داشته و در سال‌های انتخاباتی نسبت به سال‌های غیرانتخاباتی تصمیمات متفاوتی در مورد هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در واکنش به تغییر تفاضاً اتخاذ می‌کنند. نتایج این یافته با ایزدپور و همکاران (۱۳۹۷) هم‌راستا بوده اما نتایج لی و همکاران (۲۰۲۰) و اولی و همکاران (۲۰۲۰) مبنی بر چسبندگی بیشتر هزینه‌ها در طی سال‌های انتخاباتی نسبت به سال‌های غیرانتخاباتی ناسازگار است.

نتایج بررسی فرضیه دوم حاکی از آن بود که با وجود عدم اطمینان سیاسی (دوران انتخابات)، هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های با مالکیت دولتی چسبنده و در شرکت‌های مالکیت خصوصی خطی است، و این نتایج در سال‌های غیرانتخابات هم با پرجاست که به معنای تأیید فرضیه مبنی بر متفاوت بودن رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌های با مالکیت دولتی در مقایسه با شرکت‌های با مالکیت خصوصی در دوران انتخابات ریاست جمهوری است. با توجه به این که رفتار هزینه فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های دولتی در سال‌های انتخاباتی چسبنده‌تر است، که می‌تواند ناشی از دخالت دولت در تصمیمات مرتبط با حذف یا حفظ منابع بلااستفاده / مازاد، خوش‌بینی مدیران نسبت به آینده، یا حفظ امپراطوری ایجاد شده توسط مدیران در زمان انتخابات باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پرابوو و همکاران (۲۰۱۸) در یک راستا می‌باشد. بر این اساس، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های با مالکیت دولتی در سال‌های انتخاباتی به دلیل وجود عدم اطمینان سیاسی نسبت به سایر سال‌های غیرانتخاباتی بالاتر است. به عبارتی دیگر در تمام سال‌های چه انتخابات چه غیرانتخابات شرکت‌های با مالکیت دولتی دارای رفتار چسبنده هزینه‌ها نسبت به شرکت‌های خصوصی می‌باشند و شدت چسبندگی هزینه‌ها برای شرکت‌های با مالکیت دولتی در سال‌های انتخابات بالاتر است.

همچنین، نتایج آزمون‌های تکمیلی مدل‌ها و فرضیه‌ها نشان می‌دهد در هر دو دوره سال‌های انتخاباتی و سال‌های غیر انتخاباتی رفتار بهای تمام شده کالای فروش رفته ضد چسبنده است، اما این ضدچسبندگی در سال انتخاباتی شدیدتر است. این نتیجه برای شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌های با مالکیت خصوصی نیز تکرار می‌شود. علاوه بر این، رفتار هزینه‌های عملیاتی در طی هر دو دوره به صورت خطی است و این نتیجه برای شرکت‌های با مالکیت دولتی و شرکت‌های با مالکیت خصوصی نیز تفاوتی نمی‌کند. مقایسه یافته‌ها

در مورد رفتار هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های عملیاتی در سال‌های انتخاباتی و غیرانتخاباتی نشان می‌دهد که مالکیت دولتی بر هزینه‌های مرتبط با اهداف سیاسی-اجتماعی تأکید دارند.

نتیجه این مطالعه به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی برای درک رفتار مدیران کمک می‌کند که اطلاعات مفیدی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است. بر اساس این نتایج به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیلگران و حتی حسابرسان توصیه می‌شود برای بررسی رفتار هزینه‌ها علاوه بر عدم اطمینان سیاسی، ساختار مالکیت را به عنوان یک عامل مهم و اثرگذار مدنظر داشته باشند تا بتوانند در راستای هدف خود، تصمیم بهتری را اتخاذ نمایند. به عبارتی بهتر همه تصمیم‌گیرندگان باید به پیامدهای دولتی بودن یک شرکت، سیاست‌های دولتی، تصمیمات کلان اقتصادی در هنگام تصمیم‌گیری توجه لازم را داشته باشند. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی، اثر عدم اطمینان سیاسی در زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی را بر رفتار نامتقارن هزینه‌ها بررسی نمایند.

ناگفته نماند این پژوهش که مانند سایر مطالعات با محدودیت‌هایی مواجه بوده که شامل این موارد می‌باشد: (۱) وجود تورم: تورم موجب انحراف نتایج می‌شود، چرا که نتایج نسبت‌های مبتنی بر اطلاعات حسابداری، تحت تأثیر پدیده تورم قرار می‌گیرد. ضمناً، تورم‌زدایی ارقام نمی‌تواند بطور کامل این مشکل را حل نماید، که چرا نرخ تورم صرفاً میانگینی از نرخ تغییر در قیمت‌هاست و همه ارقام به یک میزان تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. (۲) نبود اطلاعات تفصیلی در مورد ریز هزینه‌ها: این عدم دسترسی امکان بررسی دقیق‌تر رفتار هزینه‌ها را سلب می‌نمود. انتظار می‌رود رفتار انواع مختلف هزینه‌ها متفاوت باشد، ولیکن استفاده از ارقام کلی هزینه‌ها نظیر مجموع هزینه‌های فروش، عمومی و اداری (و بهای تمام شده کالای فروش رفته) دیدگاه کاملاً دقیقی را در این زمینه در اختیار نمی‌گذارد. (۳) تعیین مالکیت دولتی: دولت معمولاً به شکل مستقیم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران و فرابورس ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کند و این امر با شرکت‌های واسطه‌ای که شکلی خصوصی دارند انجام می‌پذیرد؛ وجود این شکل از سرمایه‌گذاری دولت موجبات دشواری اندازه‌گیری این متغیر ساختار مالکیت را فراهم می‌نمود.

منابع

- (۱) ابراهیمی، سعید، امید فرجی، میثم عرب زاده، مصطفی ایزدپور و فخرالدین محمدرضایی، (۱۴۰۱)، "مالکیت دولتی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها"، بورس اوراق بهادار، ۵۷، صص ۴۹۵-۵۳۰.
- (۲) احمدی، سعیدعلی، افسانه سروش‌یار و مهدی دادخواه، (۱۳۹۴)، "ارزیابی نقش سرمایه‌سازمانی بر چسبندگی هزینه شرکت"، دانش حسابداری مالی، ۲(۴)، صص ۱۳۷-۱۵۳.

- ۳) احمدی، محمدعلی، اله کرم صالحی، سعید نصیری و علیرضا جرجزاده، (۱۴۰۱)، "بررسی تأثیر نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی بر سرعت تعدیل اهرم هدف"، دانش سرمایه‌گذاری، ۴۴، صص ۵۳۰-۵۰۱.
- ۴) ایران زاده، سلیمان و حسن محمدزاده مقدم، (۱۳۸۹)، "مدیریت هزینه: شواهدی از رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های ایرانی"، آینده‌پژوهی مدیریت، ۲۱(۱)، صص ۱۲۳-۱۳۳.
- ۵) ایزدپور، مصطفی، هاشم نیکومرام، فریدون رهنمای رودپشتی و بهمن بنی مهد، (۱۳۹۷)، "تحلیل چگونگی تأثیرگذاری نااطمینانی بر چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، اقتصاد مالی، ۴۳، صص ۴۹-۷۴.
- ۶) ایزدی‌نیا، ناصر، علیرضا سلطانی‌اسفیزی و محمدرضا فخارمنش، (۱۳۹۳)، "تأثیر تغییرات فروش دوره‌های قبل بر رفتار نامتقارن هزینه"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۴)، صص ۲۰۵-۲۲۱.
- ۷) آقای، محمدعلی، حسین اعتمادی و حسن حسنی، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر مسئله نمایندگی بر روی چسبندگی هزینه‌ها"، دانش حسابداری مالی، ۳(۳)، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ۸) آقای، محمدعلی و حسن حسنی، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران و متغیرهای حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۴)، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- ۹) بولو، قاسم، الهه معرز، داود خان حسینی و محمد نیکونسبتی، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین دیدگاه مدیریت و چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، برنامه‌ریزی و بودجه، ۷(۳)، صص ۷۹-۹۵.
- ۱۰) جامعی، رضا و قاسم نجف پور، (۱۳۹۸)، "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد مالی با تأکید بر مخارج تحقیق و توسعه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۱)، صص ۸۱-۱۰۰.
- ۱۱) چهارمحالی، علی اکبر و جواد زاهدی، (۱۳۹۶)، "بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها"، حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲۳، صص ۳۱-۴۶.
- ۱۲) حاجیه‌ها، زهره، کاوه قادری و صلاح الدین قادری، (۱۳۹۸)، "تأثیر نگرش کوتاه‌مدت مدیران در چسبندگی هزینه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مدیریت دارایی و تامین مالی، ۲۶، صص ۴۴-۲۷.
- ۱۳) حسینی پور، رضا، فرزانه نصیرزاده و محمدرضا عباس‌زاده، (۱۳۹۸)، "عوامل تعیین‌کننده رفتار چسبندگی هزینه‌ها"، دانش حسابداری، ۱۰(۴)، صص ۱۷۷-۲۱۴.
- ۱۴) حقیقت، حمید و محمد رحیم پور، (۱۳۹۶)، "اثر انگیزه‌های مدیریتی و اهداف سود بر چسبندگی هزینه"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹(۱)، صص ۱۹-۵۴.

- ۱۵) حیدری، مهدی، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر چسبندگی هزینه: نقش تعدیلی عوامل اقتصادی و عوامل مبتنی بر نظریه نمایندگی در آن"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۲)، صص ۱۵۱-۱۷۲.
- ۱۶) خانی، عبدالله، هادی امیری و محمدعلی شامحمدی، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر عدم تقارن هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۶(۱)، صص ۵۷-۷۴.
- ۱۷) خانی، عبدالله، محمدجواد غفاری و محمدعلی شامحمدی، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عدم تقارن هزینه‌ها"، دانش حسابداری مالی، ۱(۳)، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- ۱۸) خدادادی، ولی و رضا تاکر، (۱۳۹۱)، "تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۵، صص ۸۸-۱۰۱.
- ۱۹) خلیفه سلطانی، سید احمد و الهه عباسی ملک آبادی، (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کارایی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری مالی، ۵، صص ۶۴-۸۳.
- ۲۰) رضایی، مهدی، حجت پارسا و سیما مهربانیان، (۱۳۹۶)، "تأثیر رشد اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی بر چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۴)، صص ۵۵۱-۵۷۲.
- ۲۱) زنجیردار، مجید، پیمان غفاری آشتیانی و زهرا مداحی، (۱۳۹۳)، "بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار چسبندگی هزینه"، حسابداری مدیریت، ۱۷(۱)، صص ۷۹-۹۱.
- ۲۲) ژولانژاد، فاطمه، وحید بخردی‌نسب و مهدی عرب‌صالحی، (۱۳۹۶)، "تأثیر تغییرات فروش و انتظارات از رشد فروش بر چسبندگی هزینه‌ها در شرایط نبود اطمینان"، راهبرد مدیریت مالی، ۵(۴)، صص ۱۵۹-۱۷۸.
- ۲۳) سپاسی، سحر، زهرا فتحی و سکینه شبیه، (۱۳۹۳)، "آزمون تجربی چسبندگی هزینه‌ها: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۲)، صص ۱۶۳-۱۷۷.
- ۲۴) سجادی، سید حسین، حسن فرازمنند و جواد نیک‌کار، (۱۳۹۲)، "تأثیر ساختار مالکیت بر ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲۰، صص ۲۹-۵۶.
- ۲۵) سرلک، نرگس، امید فرجی، مصطفی ایزدپور و زهرا جودکی چگنی، (۱۳۹۷)، "بیش‌اعتمادی مدیران و نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، صص ۱۹۹-۲۱۴.
- ۲۶) سرلک، نرگس، امید فرجی و فاطمه علی‌نیافیروزجاه، (۱۳۹۹)، "نقش میانجی ریسک سیستماتیک در رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداشت وجه نقد"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۴۷، صص ۵۵-۷۶.

- (۲۷) عبدلی، محمدرضا و مرضیه غلامی، (۱۳۹۵)، "تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها"، حسابداری مدیریت، ۲۹، صص ۱۵-۳۰.
- (۲۸) علی‌خانی، رضیه، مهدی مران جوری و سیده فاطمه سیدزاده، (۱۳۹۶)، "مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه"، پژوهش‌های حسابداری، ۷(۳)، صص ۷۹-۱۰۳.
- (۲۹) فرجی، امید، فاطمه جنتی دریاکناری، کفسان منصوری و فاطمه یونسی مطیع، (۱۳۹۹)، "مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیلگر مدیریت سود"، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۷(۱)، صص ۲۵-۵۸.
- (۳۰) فرجی، امید، رضا سجادی‌پور، مرتضی رفیعی و پریسا برجی، (۱۳۹۹)، "قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲(۳)، صص ۲۳-۴۴.
- (۳۱) فرجی، امید، محمدرضا فتحی و فاطمه نبردی، (۱۳۹۸)، "محدودیت مالی و رقابت در بازار محصول: نقش میانجی قیمت‌گذاری محصول در چرخه‌های تجاری"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۱)، صص ۲۳-۴۰.
- (۳۲) فرجی، امید و محمدکاظم مصطفی‌پور، (۱۳۹۹)، "تصمیمات مدیران در موازنه بین چسبندگی هزینه‌ها و هموارسازی سود"، حسابداری مدیریت، ۴۴، صص ۱۹۳-۲۰۴.
- (۳۳) فرهادی، زهره، عبدالحسین طالبی‌نجف‌آبادی و نرجس کمالی‌کرمانی، (۱۳۹۸)، "ارتباط ارزشی بیش اعتمادی مدیریت با تأکید بر نقش میانجی چسبندگی هزینه‌ها"، حسابداری مدیریت، ۴۳، صص ۱۰۵-۱۱۶.
- (۳۴) قافله‌باشی، سید محمد امین، محمدجواد زمانی فروشانی، زهرا جودکی و مصطفی ایزدپور، (۱۴۰۱)، "تجدید ارائه صورت‌های مالی و کارایی سرمایه‌گذاری: نقش میانجی‌گری محدودیت مالی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۵۳، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- (۳۵) قائمی، محمدحسین و معصومه نعمت‌الهی، (۱۳۸۵)، "بررسی رفتار هزینه توزیع و فروش و عمومی و اداری و بهای تمام شده کالای فروش رفته در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مطالعات تجربی حسابداری، ۱۶، صص ۷۱-۸۹.
- (۳۶) کردستانی، غلامرضا و سیدمرتضی مرتضوی، (۱۳۹۱)، "بررسی عوامل تعیین‌کننده چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۳)، صص ۱۳-۳۲.
- (۳۷) کردستانی، غلامرضا و سیدمرتضی مرتضوی، (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر تصمیمات سنجیده مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹(۱)، صص ۷۳-۹۰.
- (۳۸) کرمی، غلامرضا، سلمان بیک بشرویه و مصطفی ایزدپور، (۱۴۰۰)، "بررسی تأثیر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت بر کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی"، تحقیقات مالی، ۲۳(۴)، صص ۶۵۳-۶۶۵.

- ۳۹) لاله ماژین، مریم، حسن زلّقی، مرتضی بیات و علی سبحانی، (۱۳۹۶)، "تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۳۶، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- ۴۰) متین‌فرد، مهران، محمدرضا اولی و مریم میناب، (۱۳۹۹)، "بررسی تأثیر نااطمینانی سیاسی بر نگهداشت وجه نقد"، دانش حسابداری، ۱(۱)۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- ۴۱) معتمدی، پگاه و یداله تاری وردی، (۱۴۰۱)، "تأثیر عدم اطمینان محیطی بر پایداری سود"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵۳، صص ۳۱-۴۹.
- ۴۲) منصورفر، غلامرضا، مهدی حیدری و طاهره کولانی، (۱۳۹۶)، "بررسی تأثیر مدیریت واقعی سود و انگیزه‌های مدیریت بر چسبندگی هزینه‌ها"، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱(۱)۵، صص ۱-۱۶.
- ۴۳) نمازی، محمد، محمدجواد غفاری و مرضیه فریدونی، (۱۳۹۱)، "تحلیل بنیادی رفتار چسبندگی هزینه‌ها و بهای تمام شده با تأکید بر دامنه‌ی تغییرات در بورس اوراق بهادار تهران"، پیشرفت‌های حسابداری، ۴(۲)، صص ۱۵۱-۱۷۱.
- ۴۴) نمازی، محمد و ایرج دوانی پور، (۱۳۸۹)، "بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۴)، صص ۸۵-۱۰۲.
- ۴۵) نیک‌کار، جواد و اکرم جلیلی، (۱۳۹۴)، "تأثیر تعدیل‌کننده انتظارات آتی و تغییرات فروش گذشته بر عدم تقارن رفتار هزینه"، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۷، صص ۹۹-۱۲۴.
- ۴۶) نیک‌کار، جواد و الهه ملک خدایی، (۱۳۹۹)، "تأثیر ساختار هزینه و عدم اطمینان در تقاضا آتی بر ناقربندی رفتار هزینه"، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۳۳، صص ۹۳-۱۱۳.
- ۴۷) وقفی، سید حسام، کاوه پرن‌دین و سامیران خواجه زاده، (۱۳۹۸)، "مطالعه رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، ۴(۹)، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- ۴۸) هاشمی، سیدعباس و علی نجاتی، (۱۳۹۴)، "تأثیر مدیریت سود بر چسبندگی هزینه‌ها"، بررسی‌های حسابداری، ۲(۸)، صص ۹۳-۱۰۸.
- ۴۹) همه خانی، صادق و رمضانعلی رویایی، (۱۴۰۱)، "تأثیر عوامل فرهنگی بر چسبندگی هزینه‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵۴، صص ۱۵۹-۱۷۸.
- 50) Aaberge, R., Liu, K., & Zhu, Y. (2017), "Political Uncertainty and Household Savings", *Journal of Comparative Economics*, 45(1), PP. 154-170 .
- 51) Abdallah, A. A-N., & Ismail, A. K. (2017), "Corporate Governance Practices, Ownership Structure, and Corporate performance in the GCC Countries", *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 46(C), PP. 98-115.
- 52) Agarwal, N. (2022), "Cost Stickiness and Stock Price Delay", *European Accounting Review*, Forthcoming..

- 53) Alawi, S., (2019), "Relationship between Capital Requirement, Ownership Structure, and Financial Performance in Saudi Arabian Listed Companies", *Asian Economic and Financial Review*, 9(9), PP. 1077-1090.
- 54) Al-Janadi, Y. (2021), "Ownership Structure and Firm Performance in the Middle East: A Meta-Analysis", *Journal of Risk and Financial Management*, 14(12), PP. 577.
- 55) Al-Malkawi, H-A. N., & Pillai. R. (2018), "Analyzing Financial Performance by Integrating Conventional Governance Mechanisms into the GCC Islamic Banking Framework", *Managerial Finance*, 44(5), PP. 604-23.
- 56) Al-Matari, E. M., Al-Matari, Y., & Saif. S. A. (2017), "Association between Ownership Structure Characteristics and Firm Performance: Oman Evidence", *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 21(1), PP. 1-6.
- 57) Al-Musali, M. A., Qeshta, M. H., Al-Attafi, M. A. & Al-Ebel, A. M. (2019), "Ownership Structure and Audit Committee Effectiveness: Evidence from Top GCC Capitalized Firms", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 12(3), PP. 407-425.
- 58) Aluchna, M. & Kaminski, B. (2017), "Ownership Structure and Company Performance: A Panel Study from Poland", *Baltic Journal of Management*, 12(4), PP. 485-502.
- 59) Amore, M. D., & Corina, M. (2021), "Political Elections and Corporate Investment: International Evidence", *Journal of International Business Studies*, 52, PP. 1775-1796.
- 60) An, H., Chen, Y., Luo, D., & Zhang, T. (2016), "Political Uncertainty and Corporate Investment: Evidence from China", *Journal of Corporate Finance*, 36(C), PP. 174-189.
- 61) Baker, S. R., Bloom, N. & Davis, S. J. (2016), "Measuring Economic Policy Uncertainty", *Quarterly Journal of Economics*, 131(4), PP. 1593-1636.
- 62) Anderson, M.C., Banker, R.D., & Janakiraman, S. N. (2003), "Are Selling, General, and Administrative Costs "Sticky"?", *Journal of Accounting Research*, 41(1), PP. 47-63.
- 63) Anderson, M.C., Banker, R.D., Huang, R., & Janakiraman, S. N. (2007), "Cost Behavior and Fundamental Analysis of SG&A Costs", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22(1), PP. 1-28.
- 64) Andrades, J., Martinez-Martinez, D., Larrán, M. & Herrera, J. (2019), "Determinants of Information Disclosure by Spanish State-Owned Enterprises in Accordance with Legal Requirements", *International Journal of Public Sector Management*, 32(6), PP. 616-634.
- 65) Armstrong, C.S., Guay, W.R. & Weber, J.P. (2010), "The Role of Information and Financial Reporting in Corporate Governance and Debt Contracting", *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2/3), PP. 179-234.
- 66) Bai, C.-E., Li, D. D., Tao, Z., & Wang, Y. (2000), "A Multitask Theory of State Enterprise Reform", *Journal of Comparative Economics*, 28(4), PP. 716-738.
- 67) Bai, C.-E., Li, D. D., Tao, Z., & Wang, Y. (2000), "A Multitask Theory of State Enterprise Reform", *Journal of Comparative Economics*, 28(4), PP. 716-738.
- 68) Balakrishnan, R. & Gruca, T. (2008), "Cost Stickiness and Core Competency: A Note", *Contemporary Accounting Research* 25 (4), PP. 993-1006.
- 69) Ballas, A., Naoum, V-C., & Vlismas, O., (2022), "The Effect of Strategy on the Asymmetric Cost Behavior of SG&A Expenses", *European Accounting Review*, 31(2), PP. 409-447.
- 70) Banker, R. D., & Byzalov, D. (2014), "Asymmetric Cost Behavior", *Journal of Management Accounting Research*, 26(2), PP. 43-79.
- 71) Banker, R. D., Byzalov, D., & Chen, L. (2013), "Employment Protection Legislation, Adjustment Costs and Cross-Country Differences in Cost Behavior", *Journal of Accounting and Economics*, 55(1), PP. 111-127.

- 72) Banker, R. D., Byzalov, D., Fang, S., & Liang, Y. (2018), "Cost Management Research", *Journal of Management Accounting Research*, 30(3), PP. 187–209.
- 73) Banker, R. D., Byzalov, D., & Plehn-Dujowich, J. M. (2014), "Demand Uncertainty and Cost Behavior", *The Accounting Review*, 89(3), PP. 839–865.
- 74) Banker, R. D., Byzalov, D., & Threinen, L. (2013), "Determinants of International Differences in Asymmetric Cost Behavior", Temple University, Working Paper.
- 75) Bertrand, M., & Mullainathan, S. (2003), "Enjoying the Quiet Life? Corporate Governance and Managerial Preferences", *Journal of Political Economy*, 111(5), PP. 1043–1075.
- 76) Bird, A., and Karolyi, S. A. & Ruchti T. (2017), "Political Uncertainty and Corporate Transparency", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2986678>
- 77) Blake, D. J. & Jandhyala, S. (2019), "Managing Policy Reversals: Consequences for Firm Performance", *Strategy Science*, 4(2), PP. 111-128 .
- 78) Bloom, N. (2009), "The Impact of Uncertainty Shocks", *Econometrica*, 77(3), PP. 623-685 .
- 79) Boone, A., & Kim, A., & White, J. T. (2020), "Local Policy Uncertainty and Firm Disclosure Vanderbilt Owen Graduate", School of Management Research Paper, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3003157>
- 80) Boycko, M., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1996), "A Theory of Privatization", *Economic Journal*, 106 (435), PP. 309–319.
- 81) Brasch, H. (1927), "Zur Praxis der Unkostenschwankungen und ihrer Erfassung (II) (The practice of cost fluctuation and their measurement)", *Betriebswirtschaftliche Rundschau*, 1927(4), PP. 65–73.
- 82) Brisker, E. R., Park, J. C. Song H. (2022), "Managers' Equity Incentives and Asymmetric Cost Behavior", *Journal of Management Accounting Research*, 34 (2), PP. 43–69.
- 83) Bu, D., Wen C., & Banker, R. D. (2015), "Implications of Asymmetric Cost Behaviour for Analysing Financial Reports of Companies in China", *China Journal of Accounting Studies*, 3 (3), PP. 181-208.
- 84) Bugeja, M., Lu, M., & Shan, Y. (2015), "Cost Stickiness in Australia: Characteristics and Determinants", *Australian Accounting Review*, 25(3), PP. 248–261.
- 85) Chen, C. X., Lu, H., & Sougiannis, T. (2012), "The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs", *Contemporary Accounting Research*, 29(1), PP. 252–282.
- 86) Çolak, G., Durnev, A., & Qian, Y. (2017), "Political Uncertainty and IPO Activity: Evidence from U. S. Gubernatorial Elections", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(6), PP. 2523-2564 .
- 87) Cuervo, A., & Villalonga, B. (2000), "Explaining the Variance in the Performance Effects of Privatization", *Academy of Management Review*, 25 (3), PP. 581-590.
- 88) Cullinan, C. P., Wang, F., Wang, P., & Zhang, J. (2012), "Ownership Structure and Accounting Conservatism in China", *Journal of International Accounting, Auditing, and Taxation*, 21(1), PP. 1–16.
- 89) Dai, L. & Ngo, P. (2021), "Political Uncertainty and Accounting Conservatism", *European Accounting Review*, 30(2), PP. 277-307 .
- 90) Datta, D. K., Guthrie, J. P., Basuil, D., & Pandey, A. (2010), "Causes and Effects of Employee Downsizing: A Review and Synthesis", *Journal of Management*, 36(1), PP. 281–348.
- 91) Dierynck, B., Landsman, W. R., & Renders, A. (2012), "Do Managerial Incentives Drive Cost Behavior? Evidence about the Role of the Zero Earnings Benchmark for Labor Cost Behavior in Belgian Private Firms", *The Accounting Review*, 87(4), PP. 1219–1246.

- 92) Din, S. U., Arshad Khan, M., Khan, M. J. & Khan, M. Y. (2021), "Ownership Structure and corporate Financial Performance in an Emerging Market: a Dynamic Panel Data Analysis", *International Journal of Emerging Markets*, Forthcoming.
- 93) Ding, Y., Zhang, H., & Zhang, J. (2007), "Private vs. State Ownership and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies", *Corporate Governance: An International Review*, 15(2), PP. 223–238.
- 94) Fan, J., Wong, T.J., & Zhang, T. (2007), "Politically connected CEOs, Corporate Governance and Post-IPO Performance of China's Partially Privatized Firms", *Journal of Financial Economics*, 84(2), PP. 330–357.
- 95) Farooq, O., & Ahmed, N. (2019), "Dividend Policy and Political Uncertainty: Evidence from the US Presidential Elections", *Research in International Business and Finance*, 48(C), PP. 201-209 .
- 96) Farooq, O., Satt, H. & El Fadel, B. (2021), "Political Uncertainty and the Choice of External Audit: International Evidence from Private Firms", *International Journal of Managerial Finance*, 17(4), PP. 568-588.
- 97) Firth, M., Fung, P. M. Y. & Rui, O. M. (2007), "Ownership, Two-Tier Board Structure, and the Informativeness of Earnings – Evidence from China", *Journal of Accounting and Public Policy*, 26(4), PP. 463 – 496.
- 98) Giambona, E., Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2017), "The Management Of Political Risk", *Journal of International Business Studies*, 48(4), PP. 523-533.
- 99) Goodell, J. W., Goyal, A., & Urquhart, A. (2021), "Uncertainty of Uncertainty and Firm Cash Holdings", *Journal of Financial Stability*, 56(C), 100922.
- 100) Grossman, S. J., & Hart, O. D. (1986), "The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral Integration", *Journal of Political Economy*, 94(4), PP. 691–719.
- 101) Gunasekarage, A., Hess, K., & Hu, A. (2007), "The Influence of the Degree of State Ownership and the Ownership Concentration on the Performance of Listed Chinese Companies", *Research in International Business and Finance*, 21(3), PP. 379-395.
- 102) Habib, A., & Costa, M. D. (2021), "Debt Maturity Structure and Cost Stickiness", *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 32(1), PP. 78-89.
- 103) Hartlieb, S., Loy, T. R., & Eierle, B. (2020), "Does Community Social Capital Affect Asymmetric Cost Behaviour?", *Management Accounting Research*, 46, 100640.
- 104) Hearn, B., & Piesse, J. (2013), "Firm Level Governance and Institutional Determinants of Liquidity: Evidence from Sub Saharan Africa", *International Review of Financial Analysis* 28(C), PP. 93-111 .
- 105) Henisz, W. J., & Delios, A. (2001), "Uncertainty, Imitation, and Plant Location: Japanese Multinational Corporations, 1990-1996", *Administrative Science Quarterly*, 46(3), PP. 443-475.
- 106) Hess, K., Gunasekarage, A. & Hovey, M. (2010), "State-Dominant and Non-State-Dominant Ownership Concentration and Firm Performance: Evidence from China", *International Journal of Managerial Finance*, 6(4), PP. 264–289.
- 107) Hope, O., & Thomas, W. B. (2008), "Managerial Empire Building and Firm Disclosure", *Journal of Accounting Research*, 46(3), PP. 591–626.
- 108) Huang, T., Wu, F., Yu, J., & Zhang, B. (2015), "Political Uncertainty and Dividend Policy: Evidence from International Political Crises", *China Journal of Accounting Studies*, 3(1), PP. 49-83.

- 109)Huang, W., Zhu, T. (2015), "Foreign Institutional Investors and Corporate Governance in Emerging Markets: Evidence of a Split-Share Structure Reform in China", *Journal of Corporate Finance* 32(C), PP. 312-326.
- 110)Hung, M. Y., Wong, T. J., & Zhang, T. Y. (2012), "Political Considerations in the Decision of Chinese SOEs to List in Hong Kong", *Journal of Accounting and Economics*, 53(1), PP. 435-449.
- 111)Ibrahim, A. E. A. (2015), "The Economic Growth and Cost Stickiness: Evidence from Egypt", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 13(1), PP. 119-140.
- 112)Ibrahim, A. E. A. (2018), "Board Characteristics and Asymmetric Cost Behavior: Evidence from Egypt", *Accounting Research Journal*, 13(2), PP. 301-322.
- 113)Ibrahim, A. E. A., & Ezat, A. N. (2017), "Sticky Cost Behavior: Evidence from Egypt", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 7(1), PP. 16-34.
- 114)Imai, M., & Shelton, C. A. (2011), "Elections and Political Risk: New Evidence from the 2008 Taiwanese Presidential Election", *Journal of Public Economics*, 95(7-8), PP. 837-849.
- 115)Jens, C. E. (2017), "Political Uncertainty and Investment: Causal Evidence from U. S. Gubernatorial Elections", *Journal of Financial Economics*, 124(3), PP. 563-579.
- 116)Jensen, M. C. (1986), "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers", *American Economic Review*, 76(2), PP. 323-329.
- 117)Jin, X., & Wu, H. (2021), "Economic Policy Uncertainty and Cost Stickiness", *Management Accounting Research*, 52, 100750.
- 118)Julio, B., & Yook, Y., (2012), "Political Uncertainty and Corporate Investment Cycles", *The Journal of Finance*, 67(1), PP. 45-83.
- 119)Kallapur, S., & Eldenburg, L. (2005), "Uncertainty, Real Options, and Cost Behavior: Evidence from Washington State Hospitals", *Journal of Accounting Research*, 43(5), PP. 735-752.
- 120)Kama, I., & Weiss, D. (2013), "Do Earnings Targets and Managerial Incentives Affect Sticky Costs?", *Journal of Accounting Research*, 51(1), PP. 201-224.
- 121)Kim, S. H. (2021), "Policy Uncertainty, Presidential Elections and Earnings Management: Evidence from South Korea", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3797562>
- 122)Ko, H., Chung, Y., & Woo C. (2021), "Choice of R&D Strategy and Asymmetric Cost Behaviour.", *Technology Analysis & Strategic Management*, 33(9), PP. 1022-1035.
- 123)Kim, J.-B., & Wang, K. (2014), "Labor Unemployment Risk and Sticky Cost Behavior", *Social Science Research Network*. <https://papers.ssrn.com/abstract=2378538>
- 124)Kumar, P., & Zattoni, A. (2015), "Ownership Structure, Corporate Governance and Firm Performance", *Corporate Governance: An International Review*, 23(6), PP. 469-471.
- 125)Laporšek, S., Dolenc, P., Grum, A., & Stubej. I. (2021), "Ownership Structure and Firm Performance- The Case of Slovenia", *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 34(1), PP. 2975-2996.
- 126)Le, A. T., Tran, T. P., & Cheng, T. C. F. (2022), "Do Female Directors Mitigate Asymmetric Cost Behavior? Evidence from International Data", *Finance Research Letters*, 49(C), PP. 103121.
- 127)Le, T. V., & Buck, T. (2011), "State Ownership and Listed Firm Performance: A Universally Negative Governance Relationship?", 15(2), PP. 227-248.
- 128)Lee, W.-J., Pittman, J., & Saffar, W. (2020), "Political Uncertainty and Cost Stickiness: Evidence from National Elections around the World", *Contemporary Accounting Research*, 37(2), PP. 1107-1139.

- 129) Li, J., & Lou, Z. (2021), "Product Market Competition and Cost Stickiness: Evidence from China", *Managerial and Decision Economics*, 42(7), PP. 1808–1821.
- 130) Li, Q., Maydew, L., Willis, R. H., & Xu, L. (2022), "Corporate Tax Behavior and Political Uncertainty: Evidence from National Elections around the World", *Journal of Business Finance & Accounting*. Forthcoming
- 131) Lin, C., Ma, Y. & Su, D. (2009), "Corporate Governance and Firm Efficiency: Evidence from China's Publicly Listed Firms", *Managerial and Decision Economics*, 30(3), PP. 193–209.
- 132) Lin, C., Ma, Y., Malatesta, P., & Xuan, Y. (2011), "Ownership Structure and the Cost of Corporate Borrowing", *Journal of Financial Economics*. 100(1), PP. 1–23.
- 133) Liu, S. (2019), "The Impact of Ownership Structure on Conditional and Unconditional Conservatism in China: Some New Evidence", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 34(C), PP. 49-68.
- 134) Malcom, R. (1991), "Overhead Control Implications of Activity Costing", *Accounting Horizons*, 5(4), PP. 69.
- 135) Masulis, R. W., Wang, C., & Xie, F. (2007), "Corporate Governance and Acquirer Returns", *Journal of Finance*, 62(4), PP. 1851–1889.
- 136) Megginson, W. L. (2005), "The Financial Economics of Privatization.", New York: Oxford University Press.
- 137) Megginson, W. L., Ullah, B., & Wei, Z. B. (2014), "State Ownership, Soft-Budget Constraints, and Cash Holdings: Evidence from China's Privatized Firms", *Journal of Banking & Finance*, 48(C), PP. 276–291.
- 138) Mei, J. & Guo, L. (2004), "Political Uncertainty, Financial Crisis and Market Volatility", *European Financial Management*, 10(4), PP. 639-657.
- 139) Noreen, E. (1991), "Conditions under Which Activity-Based Cost Systems Provide Relevant costs", *Journal of Management Accounting Research*, 3(4), PP. 159–168.
- 140) Noreen, E., & Soderstrom, N. (1997), "The Accuracy of Proportional Cost Models: Evidence from Hospital Service Departments", *Review of Accounting Studies*, 2(1), PP. 89–114.
- 141) Ola. M. R., Matinfard, M., & Maryam Minab. M. (2020), "Evaluating the Effect of Political Uncertainty on the Cost Stickiness", *Iranian Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 2(4), PP. 1-10.
- 142) Özkaya, H. (2021), "Sticky Cost Behavior: Evidence from Small and Medium Sized Enterprises in Turkey", *Eurasian Business Review* volume, 11(2), PP. 349–369.
- 143) Pasquariello, P., & Zafeiridou, C. (2014), "Political Uncertainty and Financial Market Quality", *Ross School of Business Paper No. 1232*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2423576>
- 144) Pan, Z., Zhang, G. & Zhang, H. (2022), "Political Uncertainty and Cost Stickiness: Evidence from Prefecture-City Official Turnover in China", *China Accounting and Finance Review*, 24(2), PP. 142-171.
- 145) Prabowo, R., Hooghiemstra, R., & Veen-Dirks, P. V. (2018), "State Ownership, Socio-political Factors, and Labor Cost Stickiness", *European Accounting Review*, 27(4), PP. 771-796.
- 146) Qi, D., Wu, W. & Zhang, H. (2000), "Shareholding Structure and Corporate Performance of Partially Privatized Firms: Evidence from Listed Chinese Companies", *Pacific-Basin Finance Journal*, 8 (5), PP. 587–610.
- 147) Qin, B., Mohan, A. W., & Kuang, Y. F. (2015), "CEO Overconfidence and Cost Stickiness", *Management Control & Accounting*, 1(2), PP. 26-32.
- 148) Reimer, K. (2019), "Implications for the Credit and Financial Risk of a Firm. In *Asymmetric Cost Behavior*", (5-34). Springer Gabler, Wiesbaden

- 149) Sapienza, P. (2004), "The Effects of Government Ownership on Bank Lending", *Journal of Financial Economics*, 72(2), PP. 357–384.
- 150) Shleifer, A. (1998), "State versus Private Ownership", *Journal of Economic Perspectives*, 12(4), PP. 133–150.
- 151) Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1994), "Politicians and Firms", *The Quarterly Journal of Economics*, 109(4), PP. 995–1025.
- 152) Stulz, R. M. (1990), "Managerial Discretion and Optimal Financing Policies", *Journal of Financial Economics*, 26(1), PP. 3–27.
- 153) Su, Y., Xu, D. & Phan, P. (2008), "Principal-Principal Conflict in the Governance of the Chinese Public Corporation", *Management and Organization Review*, 4(1), PP. 17-38.
- 154) Sun, Q. & Tong, W. H. S. (2003), "China Share Issue Privatization: The Extent of Its Success", *Journal of Financial Economics*, 70(2), PP. 183–222.
- 155) Tirole, J. (1994), "The Internal Organization of Governments", *Oxford Economic Papers*, 46(1), PP. 1–29.
- 156) Venieris, G., Naoum, V. C., & Vlismas, O. (2015), "Organisation Capital and Sticky Behavior of Selling, General and Administrative Expenses", *Management Accounting Research*, 26(1), PP. 54–82.
- 157) Vuchelen, J. (2003), "Electoral Systems and the Effects of Political Events on the Stock Market: The Belgian Case", *Economics and Politics*, 15(1), PP. 85–102.
- 158) Walid, T. (2021), "Cost Stickiness: Analysis and Determinants. Case Study of Saudi Companies", *Theoretical Economics Letters*, 11(2), PP. 239-248.
- 159) Wang, K. T., & Shailer, G. (2017), "Does Ownership Identity Matter? A Meta-analysis of Research on Firm Financial Performance in Relation to Government Versus Private Ownership", *Abacus*, 54(1), PP. 1-35.
- 160) Wei, Z., Xie, F. & Zhang, S. (2005), "Ownership Structure and Firm Value in China's Privatized Firms: 1991–2001", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 40 (1), PP. 87-108.
- 161) Wu, M. & Wilson, M. (2022), "How Well Do Analysts Really Understand Asymmetric Cost Behaviour?", *Account & Finance*, 62(3), PP. 3951-3985.
- 162) Xu, N., Chen, Q., Xu, Y., & Chan, K. C. (2016), "Political Uncertainty and Cash Holdings: Evidence from China", *Journal of Corporate Finance*, 40(C):, PP. 276-295.
- 163) Xu, S., & Zheng, K. (2020), "Tax Avoidance and Asymmetric Cost Behavior", *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(4), PP. 723–747.
- 164) Xu, X. & Wang, Y. (1999), "Ownership Structure and Corporate Governance in Chinese Stock Companies", *China Economic Review*, 10 (1), PP. 75–98.
- 165) Xue, S., & Hong, Y. (2016), "Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness", *China Journal of Accounting Research*, 9(1), PP. 41-58.
- 166) Yang, Y. (2018), "Do Accruals Earnings Management Constraints and Intellectual Capital Efficiency Trigger Asymmetric Cost Behaviour? Evidence from Australia", *Australian Accounting Review*, 29(1), PP. 177-192.
- 167) Yao, K. (2018), "Cost Stickiness, Ownership Concentration and Enterprise Risk—Empirical Evidence from Chinese Listed Manufacturing Companies", *American Journal of Industrial and Business Management*, 8(1), PP. 163-173.
- 168) Ying, T., Wright, B. & Huang, W. (2017), "Ownership Structure and Tax Aggressiveness of Chinese Listed Companies", *International Journal of Accounting & Information Management*, 25(3), PP. 313-332.

- 169) Zanella, F., Oyelere, P. & Hossain, S. (2017), "Are Costs Really Sticky? Evidence from Publicly Listed Companies in the UAE", *Applied Economics*, 47(60), PP. 6519-6528.
- 170) Zeitun, R. (2014), "Corporate Governance, Capital Structure and Corporate Performance: Evidence from GCC Countries", *Review of Middle East Economics and Finance*, 10(1), PP. 75-96.
- 171) Zhang, L., Li, J., & Wang, H. (2021), "IPO Over-Funding and Cost Stickiness", *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 28(4), PP. 411-426.
- 172) Zheng, J., Liu, X. & Bigsten, A. (1998), "Ownership Structure and Determinants of Technical Efficiency: An Application of Data Envelopment Analysis to Chinese Enterprises (1986-1990)", *Journal of Comparative Economics*, 26(3), PP. 465-484.
- 173) Zhong, T., Sun, F., Zhou, H., & Lee, J. Y. (2020), "Business Strategy, State-Owned Equity and Cost Stickiness: Evidence from Chinese Firms", *Sustainability*, 12(5), PP. 1-21.
- 174) Zhou, K., Jiang, S., & Ma, Z. (2017), "Political Uncertainty and Voluntary Management Earnings Forecasts", *China Journal of Accounting Studies*, 5(2), PP. 256-273.
- 175) Zou, H., & Xiao, J., (2006), "The Financing Behaviour of Listed Chinese Firms", *Br. The British Accounting Review*, 38(3), PP. 239-258.

Abstract

<https://doi.org/10.30495/faar.2023.1968735.3559>

Ownership Structure, Political Uncertainty, and Asymmetric Cost Behavior

Saeid Ebrahimi¹
Omid Faraji²
Meysam Arabzadeh³
Mostafa Ezadpur⁴
F. Mohammadrezaei⁵

Received: 08 / July / 2023 Accepted: 29 / August / 2023

Abstract

The present research investigated the relationship between political uncertainty (presidential elections) and asymmetric cost behavior and the moderating effect of ownership type (state versus private). The sample consisted of 325 Iranian companies (1,990 observations) listed on the Tehran Stock Exchange and the Iran Over the Counter. Data were analyzed using panel data and OLS multiple regression with robust standard errors. The results showed that the asymmetric behavior of selling, general, and administrative (SG&A) costs is linear during times of political uncertainty (presidential election years), but sticky in non-election years. In other words, costs decrease less than the increase in non-election years. The results also indicated the sticky cost behavior of state-owned firms and the linear (non-sticky) cost behavior of private-owned firms in election years, with state-owned firms exhibiting greater cost stickiness in election years than in non-election years. Additional tests showed that the cost behavior of goods sold is anti-sticky in both election and non-election years, with a greater degree of anti-stickiness in election years. Moreover, in state-owned and private-owned companies, this behavior was non-sticky in both election and non-election years, and state firms exhibited greater anti-stickiness in election years compared to non-election years and private-owned firms. Finally, the behavior of operating costs in both periods was linear and was not significantly different for state-owned and private-owned firms.

Keywords: Political Uncertainty, Asymmetric Cost Behavior, Cost Stickiness, Ownership Structure.

1 Department of Accounting, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
sebrahimi_65@yahoo.com

2 Department of Management and Accounting, College of Farabi, university of Tehra, Qom, Iran..
Corresponding Author. omid_faraji@ut.ac.ir

3 Department of Accounting, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
arabzadeh62@yahoo.com

4 Department of Accounting, Faculty of Management, University of Qom, Qom, Iran. ezadpour@gmail.com

5 Department of Accounting, Faculty of Finance, University of kharazmi, Tehran, Iran.
fakhroddin.mr@gmail.com

<http://faar.iauctb.ac.ir>

150



Creative Commons – Attribution 4.0
International – CC BY 4.0
Creativecommons.org